

درباره اصول کار سازمانی

هسته های کوچک حزبی (مرکب از ۲ تا ۵ نفر) است، که باید جدا از هم به وجود آیند و هر یک مستقل با دستور رهبری حزب عمل کنند. این هسته ها باید در عین جدایی سازمانی از هم، از خط مشی سیاسی - ایدئولوژیک حزب تبعیت کنند و از این حیث، یک واحد منضبط و به هم پیوسته را به وجود آورند. عدم تمرکز به معنای جلوگیری از ایجاد سازمان های حزب نیست، بلکه به منظور هموار کردن راهیست که در مرحله نهایی باید به ایجاد سازمان واحد منجر شود.

۲- هسته های حزبی، ضمن عدم ارتباط با هم باید رعایت دقیق و

بقیه در صفحه ۲

هیأت سیاسی کمیته مرکزی در یکی از جلسات خود، بر اساس رهنمودهای پلنوم هیجدهم، شیوه های کار تشکیلاتی در ایران را مورد بررسی قرار داد و به نتایج زیرین رسید.

۱- مهم ترین و عاجل ترین وظیفه ای که در حال حاضر در برابر حزب قرار دارد، ایجاد هسته هایی است که بتوانند در موقع مقتضی به سرعت به هم بپیوندند و سازمان واحد را به وجود آورند.

۲- در ایجاد این هسته ها باید اصول چهارگانه عدم تمرکز، ترجیح کیفیت بر کمیت، تلفیق کار علنی و مخفی و حفظ اسرار حزبی اکیدا مراعات شود. عدم تمرکز به معنای ایجاد

راه توده

شهره پهلوان خیز خنده ایران در خارج از کشور

دوبلن شماره ۴ تیر ۱۳۱۳ مطبوع
۲۵ ژوئن ۱۹۸۶
سال دوم، شماره ۶۶
بها : ۴۰ ریال

جنگ ایران و عراق، تأمین کننده "منافع حیاتی" امپریالیسم آمریکاست

و مبین و در یک کلام فاجعه اقتصادی و انسانی که در تاریخ کهنسال ما می سابقه است، هنوز نتوانسته است طلسم منحوس این جنگ خانمان سوز را که از فرط پوچی و بیهودگی برای مردم و سودآوری و زراندوژی برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان داخلی در میان جنگ های مشابه نمونه وار است، درهم بشکند. سران جمهوری اسلامی به رغم آنکه خود بهتر از هر کس می دانند که بن بست جنگ

بقیه در صفحه ۸

باردیگر آوای شوم چند جنگ در مین مصیبت زده ما اوج گرفته است. یک بار دیگر صدها هزار تن از زحمتکشان ایران به جبهه ها گسیل شده اند تا به عنوان "وارد آوردن ضربه آخر بر پیکر رژیم عراق"، طعمه آتش این جنگ خواسته امپریالیسم شوند. طی دو سال اخیر این داستان اسفناک بارها و بارها تکرار شده است. نافرجامی های مکرر در زنجیره عملیات "رمضان" و "الفجر" ... و "الفجر" و "خیبر، تلفات و خسارات عظیم و جبران ناپذیر، صدمات توانفرسا بر پیکر انقلاب

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

"رافت اسلامی" حکام جمهوری اسلامی یک بار دیگر "گل کرد" و در بخشنامه ای که "شرایط عفو محکومین دادگاه های عمومی انقلاب اسلامی و ارتش" را مشخص می کند، تجلی یافت، به موجب این بخشنامه که بر اساس پیشنهاد سرنگهبان قوه قضاییه، آیت الله موسوی اردبیلی و "توشیح" بالاترین مقام جمهوری اسلامی قابلیت اجرایی یافت، در کنار مجرمین جرائم عادی، ساواکی ها و سلطنت طلبان نیز مورد عفو قرار گرفتند.

این "عفو اسلامی" که به مناسبت حلول "بیم الله ۱۵ خرداد" جاری شد، در واقع به مثابه دستاویزی در بازی تبلیغاتی رژیم به کار آمد و هر چند حکام جمهوری اسلامی تقلا کردند با حرارت و سماجت از راه رادیو و تلویزیون، مطبوعات، اظهارات رسمی و اصدار بخشنامه ... مردم را نسبت به زیادتی "عطوفت و رأفت اسلامی" انبان شده در وجود خود متقاعد کنند، ولی ثمری برنگرفتند. انکیزه رژیم از ابراز این عطوفت کاذب، تنها کوشش مذبحخانه ای در مهار کردن تنش غمیقا آزادی خواهانه و زیرکانه کشیدن توسن نارضایتی مردم از اسارت بی حساب و کتاب بهترین فرزندان خود است. خواست همه گیر و سوزان آنان که، با سب و لعن به بانیان آزادی کش جمهوری اسلامی همراه است و در شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" تجلی یافته با این مانورهای تبلیغاتی نادیده انگاشته می شود و بر صفحات ننگ آلود دارندگان تاریک ترین پرونده های تاریخ می افزاید. سردمداران جمهوری اسلامی که آماج مستقیم اعتراضات به حق مردم ایران و جهان از جهت کسب برتری مطلق نسبت به تمامی دیکتاتورهای گیتی، از میتلرو

بقیه در صفحه ۲

"همین الان بروید به اصفهان..."

در صفحه ۱۰

جنبش اعتراضی دانشجویان شکل می گیرد

جانبه سرپای دانشگاه های کشور ما را فرا گرفته است. کافیتست به روزنامه های رسمی رژیم، اظهارات مسئولین کشور، سرهم کردن یکشنبه آیین - نامه های گوناگون، پیرامون مسائل دانشگاهی و دانشجویان نظری بیفکندیم تا به عمق این بحران و درجه جدی بودن مسئله بی بریم. بقیه در صفحه ۴

در پیش گیری سیاست تهدید و ارعاب از یک سو میاهو برای رفع مشکلات دانشجویان از سویی دیگر، راه جنبش اعتراضی دانشجویان را سد نخواهد کرد

در اولین سال تحصیلی پس از بازگشائی کامل مؤسسات آموزش عالی در همه رشته ها، بحرانی همه

۱۱ سال از شهادت رفیق حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران گذشت حماسه پایداری توده ای ها، سرود خلق ...

به مناسبت شصت و چهارمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران

به پیگرد و شکنجه آزادی خواهان ایران پایان دهید!

صفحه ۳

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

اطلاعیه هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره اصول کار سازمانی

بقیه از صفحه ۱

اکید رهنمودهای سازمانی، سیاسی و ایدئولوژیک کمیته مرکزی را وظیفه خود بشمارند و بدانند که اصل عدم تمرکز فقط در حالی سودمند است، که با تبعیت از رهبری توأم باشد. اجرای این اصل ایجاب می کند که به وحدت سیاسی - ایدئولوژیک پیش از پیش توجه شود و عدم تمرکز که به طور ناگزیر در عرصه سازمانی به وجود می آید، با وحدت سیاسی - ایدئولوژیک جبران گردد.

۴- در شرایط ترور و اختناق کنونی به اصل مهم ترجیح کیفیت بر کمیت توجه خاصی شود. در پذیرش افراد به عضویت در هسته ها باید بسیار سخت گیر بود و صدیق ترین و وفادارترین آن ها را انتخاب کرد.

تجربه کار تشکیلاتی در شرایط مخفی نشان می دهد که همیشه اصل کمتر و بهتر بر اصل بیشتر و بدتر ترجیح دارد. این اصل آزموده را باید در کار سازمانی اکیداً مراعات کرد.

۵- تماس میان افراد هسته ها، علی الاصول دو نفری خواهد بود، فقط در موارد ضرور می توان تماس سه جانبه را پذیرفت.

۶- رعایت اصل عدم تمرکز به مفهوم صرف نظر کردن از کار علنی، در حیطه زیست و کار زحمتکش نیست. هر جا که چنین امکانی وجود داشته باشد باید از آن حداکثر استفاده را کرد. در عین حال این استفاده نباید به نحوی باشد که امنیت هسته ها و اعضا آن ها را به

مخاطره اندازد. تلفیق کار مخفی و علنی کاریست بسیار ظریف و دقیق و این دو باید مکمل یکدیگر باشند نه نافی یکدیگر.

۷- اصل عدم تمرکز را باید به عنوان یک اصل پایه ای پذیرفت و از هر وسوسه ای برای ایجاد واحدهای بزرگ و به هم پیوسته، هر قدر هم که در ظاهر جذابیت داشته باشد، پرهیز کرد. این اصلی است که پلنوم هیئت کمیته مرکزی حزب توده ایران پذیرفته و اکنون هیأت سیاسی نیز بعد از بررسی مجدد و همه جانبه آن را تصریح می کند. بدیهی است، هر کسی در جهت معکوس عمل کرده و یا افراد را به اتخاذ شیوه های دیگر ترغیب کند، دانسته یا ندانسته

برخلاف مصالح حزب کام برداشته است. باید این گونه افراد را طرد کرد.

۸- حفظ اسرار حزبی در موقعیت دشوار کنونی اهمیت ویژه ای دارد. هر عضو حزب باید در شرایط مخفی، در باره شیوه های کار حزب و نحوه اجرای آن ها فقط آن قدر بداند که برای اجرای وظایف او لازم است. رعایت این اصل ضامن امنیت حزب و حفظ آن از دستبردهای بزرگ دشمن است. بدین ترتیب می توان دایره خطر احتمالی را هر چه تنگ تر کرد. حرکت در جهت معکوس در حکم هموار کردن راه مخاطره و گسترش ابعاد آنست. باید دانست که کنجکاو بی جا می تواند برای حزب نتایج بسیار ناگوار به بار آورد و باید زمینه رشد چنین پدیده ای را قاطعانه از بین برد. تأکید بر این اصل به مفهوم عدم اعتماد به افراد حزب، صداقت و پایبندی آن ها نیست، بلکه به معنی رعایت یک اصل آزموده مبارزه مخفی است، که در شرایط کنونی کشور ما اهمیت ویژه ای دارد.

۹- رهبری حزب فقط بر اساس شیوه های سازمانی فوق عمل خواهد کرد و بالطبع هیچ کمیته یا سازمانی را که بر اساس شیوه های سازمانی دیگر به وجود آمده باشند یا به وجود آیند به رسمیت نخواهد شناخت.

۱۰- رهنمودهای سازمانی فوق شامل سازمان جوانان توده ایران نیز می گردد.

هیأت سیاسی کمیته مرکزی از رفقای حزبی در هر جا که هستند انتظار دارد که اصول فوق را دقیقاً و اکیداً مراعات کنند. باید توجه داشت این کام بزرگ و با اهمیتی است در راه احیای سازمان های حزبی در ایران و این امر در سرلوحه حزبی ما قرار دارد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

بقیه از صفحه ۱

موسولینی گرفته تا فرانکو و سالازار و کایتانوو پینوشه... است با تسک به این مانور تبلیغاتی پندار با یک تیر دو نشان زدن را در سر می پروراند که از سویی کراهت و نکبت چهره خود را پشت لعابی از "رافت" و "عظوفت" پنهان کنند و در برابر افکار عمومی جهان ژست "انسان دوستانه" بگیرند و از سوی دیگر نبرات تازه نفس و کار آزموده ای به جبهه ضد انقلاب پیا فزاینده و موضع نیروهای ارتجاعی و مدافعان بزرگ مالکی و کلان - سرمایه داری را که در کار به هلاکت رساندن قطعی انقلاب اند، تقویت کنند. "خان" های به وطن بازگشته، سرمایه دارانی که زمانی با لقب "فراری" - از هول گرفتار آمدن در دام نفرت و خشم مردم - مشخص می شدند اکنون که به مرحمت و لطف حاکمیت فار و ارتجاعی جمهوری اسلامی عزت گذاشته را باز یافته اند،

در کنار سلطنت طلبان و ساواکی های بخشوده شده بهتر می توانند وظیفه نامقدس قربانی کردن انقلاب را به انجام رسانند.

مردم ما فرزندان خود را می خواهند، هزاران خانواده از هم پاشیده شده ای که به جای خالی عزیز از دست رفته، گمشده یا در بند خود می نگرند، بازگشت و سلامت آنان را طلب می کنند، آنان چشم انتظار پی گیرترین مدافعین خویشند، کارگران، آزادی همنگران خود را که به پاری یکدیگر چهره ضد کارگری توکلی و پیش نویس اش را از پس صدها روایت و حدیث افشا کردند انتظار می کشند، دمقنان، بازگشت مدافعین خود را که درد کهنه "رعیتی" اوراد رک می کردند و برای بازپس گرفتن زمینش، عریضه می نوشتند می خواهند؛ این خلق جان به لب رسیده آزادی ده ها نویسنده، شاعر و هنرمند خود را می طلبد...

آبادی این سرزمینی که غول بی شاخ و دم "استبداد اسلامی" ویران ساخته و آزادی همه کسانی که آزادی سرسبزی، شکستگی و بایلیدن انقلاب در قلبش، چون خود او به بند کشیده شده خواست اوست. خلقی که علیه ستم شاهی به پا خاست حق دگراندیشی خود و آزادی دگراندیشان توده ای، فدایی، مجاهد و دیگر دگراندیشان مدافع منافع خلق را می طلبند. از همین روست که در هر فرصتی، هنگام تجمع روپروی درهای زندان های بی شمار جمهوری اسلامی، جلوی مجلس، وقت مراجعه به نخست وزیر، دادرسی ارتش و... و موقع نوشتن اعتراض نامه به این و آن مقام مسئول تنها یک شعار را سر می دهد و برای تحقق آن می رزمند:

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

تلفیق هشیارانه کار مخفی و علنی در شرایط کنونی
یک وظیفه انقلابی است

به پیگرد و شکنجه آزادی خواهان ایران پایان دهید!

آلمان فدرال

حزب کمونیست آلمان فدرال، شعبه بوخوم - ویتن و جوانان سوسیالیست کارگر آلمان فدرال در هانور، طی ارسال نامه‌هایی به سفارت جمهوری اسلامی ایران درین، ضمن محکوم کردن فشار و تضيیقات وارده بر نیروهای مترقی در میهن ما، به ویژه حزب توده ایران و شکنجه و آزار و کشتار اعضای حزب، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و پایان دادن به پیگرد و شکنجه آزادی خواهان را خواستار شدند.

● "اتحادیه دانشجویان مارکسیست (اسپارتاکوس) دانشگاه بوخوم"، طی ارسال نامه‌ای به سفارت جمهوری اسلامی درین، نسبت به بازداشت، شکنجه و اعدام اعضای حزب توده ایران شدیداً اعتراض کرد. در این نامه بر این مسئله تأکید می‌شود که هدف اساسی از اعمال تضيیقات در مورد حزب توده ایران، نه به محاکمه کشیدن اعضای آن به جرم "جاسوسی" به نفع شوروی، بلکه در واقع محاکمه کردن آزادی، دموکراسی و حق و عدالت در ایران است. مدافعین منافع سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ در حاکمیت، در واقع با فجایی که علیه این انقلابیون مرتکب می‌شوند، قصد ناپودی انقلاب را دارند. در این نامه خاطر نشان شده است همه دیکتاتورهای حاکم بر ایران برای توجیه اعمال پلید خود، همانند سایر رژیم‌های دیکتاتوری جهان به ناچار به حربه تهمت و افتراء علیه نیروهای صلح و آزادی در ایران دست یازیده‌اند.

"اتحادیه" در پایان نامه متذکر می‌شود به خاطر پیشبرد مبارزات آزادی‌بخش خلق ما علیه امپریالیسم، به نام همبستگی بین‌المللی و به نام انسانیت، خاتمه دادن به پیگرد، به بند کشیدن، شکنجه و کشتار اعضا و هواداران حزب توده ایران و آزادی

زندانیان را خواستار است.

"اتحادیه دانشجویان مارکسیست - اسپارتاکوس" بوخوم، رونوشت این نامه را در نسخه‌های متعدد به آدرس سازمان‌ها و افراد مترقی آلمان فدرال ارسال داشت و از آنان خواسته است هر چه در توان دارند، برای جلوگیری از جنایاتی که در ایران علیه نیروهای دموکرات و به ویژه حزب توده ایران به وقوع می‌پیوندد و آزادی این میهن‌دوستان به کاربندند.

و "زنده باد همبستگی خلل‌ناپذیر کارگران اسپانیا و ایران" و در دست داشتن پوستر بزرگ رفیق حسین یور تبریزی از فعالین جنبش کارگری میهن ما که ناچوانمردانه زیر شکنجه‌های وحشیانه دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسید، حمایت تظاهرکنندگان را از زندانیان سیاسی در ایران، جلب کردند. کمیسیون کارگری اسپانیا، بزرگ‌ترین تشکل کارگری این کشور، با دادن شعارهایی در زمینه



اسپانیا

به مناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر، تظاهرات با شکوهی در مادرید پایتخت اسپانیا برگزار شد. در این تظاهرات، هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) نیز شرکت داشتند و با حمل شعارهایی مبنی بر "آزادی سندیکالیست‌های زندانی در ایران"

همبستگی با قربانیان رژیم ضدپیشری ایران، آزادی این زندانیان را طلب کرد. در قطعنامه پایانی تظاهرات که در خاتمه مراسم در برابر جمعیت خوانده شد، از جمله جو ترور و خفقان موجود در کشور ما، جنگ ایران و عراق و کشتار وحشیانه فعالین جنبش کارگری ایران قاطعانه محکوم گردید.

● در تظاهرات صلحی که روز سوم ژوئن (۱۲ خرداد) با شرکت صدها هزار نفر

از سراسر اسپانیا در مادرید برگزار شد، هواداران حزب توده ایران در این کشور نیز با حمل پلاکارت‌هایی مبنی بر افشای ماهیت جنگ ایران و عراق که در خدمت منافع امپریالیسم و به زیان خلق‌های دو کشور است و شایعات وارده بر مردم در تظاهرات شرکت کردند. مردم صلح‌دوست اسپانیا، یکبار دیگر با ابراز همبستگی با خلق‌های ایران و عراق، سیاست‌های جنگ طلبانه امپریالیسم در منطقه را محکوم و خواستار برقراری صلح میان دو کشور متخاصم شدند.

هندوستان

بیست و دومین کنفرانس ایالتی فدراسیون سراسری دانشجویان هند از تاریخ ۴ تا ۶ ماه مه (۱۴ تا ۱۶ اردیبهشت) با شرکت قریب به ۶۰ نماینده از سراسر هندوستان در شهر بهاکالپور واقع در ایالت بیهار برگزار شد. در این کنفرانس نماینده‌ای نیز از جانب "سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران" در هندوستان حضور داشت و پیام سازمان به کنگره را قرائت کرد. این پیام با شور و غریب همبستگی حضار روپرو شد. آمرجیت، دبیر "فدراسیون سراسری دانشجویان هند و آمریت ری‌نویسنده و شاعر برجسته هندی، از جمله سخنرانانی بودند که ضمن تشریح جو ترور و اختناق در ایران، به مبارزات طولانی حزب توده ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع و دفاع از منافع زحمتکشان اشاره کردند و علل تهاجم حاکمیت مرتجع ایران به حزب و سایر سازمان‌های هوادار انقلاب در میهن ما را برشمردند.

کنفرانس قطعنامه‌ای در مورد ایران صادر کرد که در آن اعمال تضيیقات و فشار علیه حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و سایر نیروهای مترقی بقیه در صفحه ۵

با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

جنبش اعتراضی دانشجویان شکل می گیرد

نمرات انقلاب فرهنگی!

اکنون بیش از چهار سال از اعلام "انقلاب فرهنگی" رژیم می گذرد. هرچند در اظهارات رسمی مسئولین بطور معمول از دستاوردهای عظیم و معجزات بی شمار "انقلاب فرهنگی" یاد می شود، ولی مضمون واقعی این حرکت، مطابق اعتراف بالاترین مقامات جمهوری اسلامی (مانند رییس مجلس) چیزی جز تصفیه و سرکوب دگراندیشان و آزادی خواهان نبوده است. نتیجه عملی این سیاست ضد مردمی و مخرب در واقعیت فعلی دانشگاه های ایران انعکاس یافته است.

ستاد انقلاب فرهنگی تا پیش از بازگشایی دانشگاه ها در پاسخ به اعتراض عمومی به بسته ماندن مؤسسات آموزش عالی و سرگردانی بیش از ۱۷۵ هزار دانشجویان تکلیفی یک میلیون دیپلمه پشت کنکوری ادعای کردند در کار برنامه ریزی و دگرگون سازی بنیادی نظام آموزش عالی در جهت تامین واقعی و کامل نیروی انسانی کارآمد و مورد نیاز جامعه هستند و جهاد دانشگاهی که از دانشجویان و استادان داوطلب تشکیل شده است، به گسترش تحقیق و پژوهش علمی مشغولند. اما طبق آمارهای اعلام شده فقط ۱۳ درصد دانشجویان و درصد ناچیزی از استادان در فعالیت های مزبور شرکت می جستند. با بازگشایی اولین سری دانشکده های پزشکی در سال ۱۳۶۰، معلوم شد آقایان حتی از تامین استاد و وسایل اولیه آزمایشگاهی و لوازم درسی ضروری هم غافل بوده اند و حتی هنوز بحث این که آیا عمل تشریح اصولا شرعی است یا خیر هم چنان لاینحل باقی مانده بود.

در جریان ادامه بازگشایی دانشگاه ها، دانشجویان و مردم از آنهمه دستاوردهای معجزه آسای ستاد انقلاب فرهنگی جز هرج و مرج و بی برنامهگی، کمبود، فضای مسموم و روحیه ضد علمی چیزی نیافتند. به جرات باید گفت تنها عرصه ای که مسئولین دانشگاه ها و ستاد انقلاب فرهنگی در آن پیکیرانه و با برنامه عمل کرده اند، همانا اخراج هزاران استاد و دانشجوی دگراندیش و دست چین کردن دانشجویان جدید از میان

نورچشمان انجمن های اسلامی مدارس و ایجاد جو ترس و ارعاب بوده است.

دانشگاه یابازداشتگاه؟!!

اینکه بسته ماندن دراز مدت دانشگاه ها و سیاست های آموزشی رژیم چه زیان های سنگینی بر تامین نیروی انسانی مورد نیاز جامعه و کار پژوهش و تحقیقات علمی کشور ما وارد کرده است و نیز چه تأثیری بر مسائل عمومی جامعه داشته است، خود به بحث جداگانه ای نیاز دارد که در این نوشته نمی گنجد. اما اثرات این سیاست در خود دانشگاه ها و افعال اسفناک و تکان دهنده است.

نظام آموزش عالی کشور، بر پایه نیازهای واقعی جامعه و مردم تغییر نکرده است و آنچه تحت عنوان دگرگونی کامل نظام مطرح می شود از جد جابجایی چند رشته و اضافه کردن واحدهای معارف اسلامی به همه رشته های تحصیلی و برخی تغییرات غیر عمده دیگر فراتر نمی رود. در برابر سیاست علم ستیزی و قشریگری در محیط های درسی راه را برای شگوفائی استعدادها، پریائی و پالش علمی، فرهنگی و هنری در دانشگاه ها سد کرده است.

از سال ۱۳۶۰ تا به امروزه اخراج هزاران دانشجو و استاد دگراندیش و آزادی خواه ادامه دارد. در برخی دانشکده ها فقط تا چهل درصد دانشجویان قبلی ثبت نام شده اند. رژیم در انتخاب دانشجویان جدید نیز وسواس فراوان به خرج می دهد و عملا هزاران جوان شایسته و مشتاق تحصیل را به چرم مکتبی نبودن از ورود به دانشگاه محروم کرده است. فشار و محدودیت های کسالت آورو آزاردهنده، اختناق و سرکوب در دانشگاه ها شکل کاملا آشکار و قانونی دارد و امکان هرگونه فعالیت، غیر از برنامه های تکراری و بی محتوی و خسته کننده انجمن اسلامی از دانشجویان سلب شده است. بحث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که جای خود دارد، حتی صحبت کردن دختر و پسر بر سر موضوع درسی ممنوع است. جهاد دانشگاهی و مسئولین دانشگاه ها، شمشیر داموکلس اخراج را بر فراز سر همه آویخته اند. در اعمال چنین سیاست های قشری در دانشگاه ها آنقدر زیاده روی شده است که رئیس-

جمهور در نماز جمعه برای پر کردن دره عمیق میان توده دانشجویان و مسئولین و انجمن های اسلامی با مایه گذاشتن از دیگران به نوعی، یاد در میان می کند: "در بعضی از دانشکده ها بین محل نشستن دخترها، دانشجویان دختر و پسر از چوب دیوار درست کرده اند. این سیاست کی است؟! آیا این سیاست جمهوری اسلامی است؟! چه کسی چنین چیزی را پیشنهاد کرده است؟"

کمبود وسائل و امکانات درسی و پژوهشی مانند آزمایشگاه و... در همه سطوح دیده می شود. تحمیل انضباط خشک به کلاس های درس، اضافه کردن درس های اجباری و حجیم مانند معارف اسلامی و بهم ریختگی در نظام اداری دانشگاه ها و... نارضایتی عمومی دانشجویان را در پی داشته است.

زندگی در شرایط کمبود امکانات، بحران اقتصادی، تورم، نبود مسکن و... بصورت یک مشکل بزرگ برای همه دانشجویان درآمده است. از سوی دیگر زندگی در خوابگاه های دانشجویی که بیشتر به بازداشتگاه شبیه اند، چندان مورد استقبال دانشجویان واقع نمی شود. مثلا در خوابگاه های رشته تربیت معلم، برنامه دانشجویان از ساعت ۵ پامداد با نماز و مراسم دعای اجباری آغاز می شود. دانشجویان باید در وعده های غذای روزانه تا حد امکان اساک کنند و ترجیحا روزهایی از هفته را (حد اقل ۲ روز) روزه بگیرند. شرکت همه دانشجویان در مراسم گوناگون مذهبی مانند دعای کمیل، ندبه و... بعد از کلاس های درس اجباری است. چنین شیوه ای در سایر خوابگاه ها نیز کم و بیش اعمال می شود. امام جمعه موقت تهران - هاشمی رفسنجانی - نیز در خطبه های نماز جمعه ۱۲۹ رادیوهفت به بهانه کمبود مسکن دانشجویان، بر گسترش این سیاست تأکید می ورزد:

"... دانشجویان ضمن این که در دانشگاه ها تحت تربیتند در خوابگاه ها هم تحت تربیتند. یک چنین برنامه ای می تواند دانشجویانی که در کلاس تربیت می شوند، اما در منزل و جاهای دیگر منحرف (!) می شوند را نجات (!) دهد..."

این طرز تفکر به خوبی نشان می دهد

نگرانی امام جمعه موقت تهران، مسئله مسکن دانشجویان نیست. آنچه وی و دیگر مسئولین را آشفته می کند، رشد سریع نارضایتی و حرکات اعتراضی در میان دانشجویان است. رئیس جمهور هم در دیدار با دانشجویان انجمن اسلامی از خطر از بین رفتن محیط با صفای دانشگاه" (۱) صحبت می کند.

رشد حرکات اعتراضی

رژیم جمهوری اسلامی به عیب پنداشته بود با حذف جوانان میهن دوست و مثرقی از صحنه دانشگاه و ایجاد محیط ترس و ارعاب، قلب یکی از کانون های مهم مبارزات آزادی خواهانه و عدالت جویانه کشورمان را از طیش بازمی دارد. اما وقایع اخیر نشان می دهند آسوده خیالی آقایان با آنهمه تمهیدات و تدارکات، چند ماه بیشتر بطول نیاورند: اینکه سردمداران رژیم در روزهای پایان سال تحصیلی با دستپاچگی آیین نامه انضباطی برای دانشجویان به تصویب می رسانند، اینکه پس از گذشت ۸ ماه از سال تحصیلی و فقط برای منحرف کردن افکار عمومی دانشجویان، همه مقامات از مشکل مسکن دانشجویان سخن می گویند و کمیته اسکان پراه می اندازند، اینکه رییس جمهور و دیگر مسئولین از افراطکاری و ندانم کاری و توطئه سخن به میان می آورند و نگران دانشگاه اند و... همه همه نشان می دهند که حساب های رژیم برای حاکم سکوت گورستانی بر دانشگاه ها همانطور که به روشنی پیش بینی می شد - غلط از آب درآمده است.

سرم بندی آیین نامه انضباطی دانشجویان که توهمین آشکار به شخصیت و حقوق دانشجویان محسوب می شود، پرپا کردن دادگاه های انضباطی برای به محاکمه کشیدن دانشجویان به چرم شرکت در فعالیت های ورزشی، هنری، فرهنگی، تشکیل انجمن یا گروه دانشجویی برای فعالیت های فوق برنامه، برگزاری اجتماعات در محیط دانشگاه، شرکت در اجتماعات سیاسی، شعاری، پخش اعلامیه و... گواه آنست که دانشجویان امروز در برابر سیاست های سرکوبگرانه و بقیه در صفحه ۷

به پیگرد و شکنجه آزادی

بقیه از صفحه ۲

مردم دو کشور و به مخاطره افتادن صلح منطقه و جهان را تشریح نمود و همچنین به افشای سیاست‌های ارتجاعی حاکمیت در قبال نیروهای مترقی میهن ما و پیگرد، بازداشت، شکنجه و کشتار آنان پرداخت. شرکت کنندگان در جلسه، به بحث پیرامون این مسائل و بررسی شیوه‌های مشخص فعالیت در زمینه جلوگیری از ادامه این جنگ خانمان‌سوز و رفع تضيیقات علیه انقلابیون ایران پرداختند و ضمن محکوم کردن سیاست‌های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی، درخواست اعزام هیأت بی‌طرفی از حقوق‌دانان و پزشکان جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک پافشاری کردند. آنان دولت ایران را به غلت

شدیدا محکوم شده است و ضمن اعلام همبستگی عمیق با زنان و مردان زندانی و مبارزانی که تحت پیگرد پلیسی قرار دارند، قطع شکنجه‌ها، آزادی آنان، پایان دادن به جنگ ایران و عراق و گسیل هیأتی جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک خواسته شده است.

آمریکا

در جشنی که به مناسبت ۶۰-مین سالگرد تأسیس روزنامه دیلی ورلده، ارگان حزب کمونیست آمریکا در تاریخ ششم ماه مه (۱۶ اردیبهشت) در شیکاگو برگزار شد، هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با برپایی غرفه



خودداری از عدم صدور ویزا برای چنین هیأتی، تا به امروز که خواست به حق هواداران آزادی و عدالت جهان است، شدیدا محکوم نمودند.

کنگره اتحادیه‌های کارگری اسکاتلند رژیم ترور و اختناق در ایران را محکوم می‌کند

مشهد و ملتین کنگره سالانه اتحادیه‌های کارگری اسکاتلند از تاریخ ۱۶ - ۲۰ آوریل (۲۷ - ۳۱ فروردین) با حضور ۵۸۰ نماینده از اتحادیه‌ها و شوراهای کارگری منطقه در شهر "آیروین" برگزار گردید. "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" ضمن شرکت فعال در این کنگره از سیاست ارتجاعی و ضد مردمی حکام جمهوری اسلامی در کلیه عرصه‌ها پاره برداشت و چهره کریه ضد کارگری و تشکل ستیزانه آن‌ها را در معرض دید مردم جهان قرارداد.

مشترکی شرکت داشتند. غرفه‌ای نیز به کمیته "همبستگی با ایران" اختصاص داده شد. شرکت کنندگان در این جشن که از کمونیست‌های با سابقه و افراد مترقی شهر بودند، از غرفه‌ها بازدید به عمل آوردند و از طریق امضای اعتراض‌نامه‌ها، همبستگی خود را زندانیان توده‌ای، هدایی و سایر انقلابیون در بند نشان دادند و چو ترور و اختناق و کشتار میهن‌دوستان را در ایران محکوم کردند.

● شورای صلح پالو آلتودر شمال کالیفرنیا روز سه شنبه، هشتم ماه مه (۱۸ اردیبهشت) جلسه‌ای در مورد جنگ ایران و عراق ترتیب داد. در این جلسه نماینده‌ای نیز از جانب "کمیته همبستگی با مردم ایران" شرکت داشت و طی سخنانی، به ماهیت جنگ طلبانه حکومت ایران و تأثیرات مخرب جنگ در زندگی

نمایندگان شرکت کننده در کنگره ضمن اعلام هم‌دردی و همبستگی عمیق با مردم ایران انزجار و اعتراض شدید خود را نسبت به بازداشت، شکنجه و اعدام مبارزین انقلابی ایران داشتند.

در خلال برگزاری کنگره، به ابتکار "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" و "کمیته مبارزه در راه آزادی و علیه اختناق در عراق" جلسه‌ای به منظور بررسی اوضاع خاورمیانه ترتیب یافت که در آن عده زیادی از نمایندگان جنبش کارگری اسکاتلند از جمله "بیل اسپرز" - معاون دبیر اتحادیه‌های کارگری اسکاتلند - جیم کیری - نماینده دوستان فلسطین در جنبش کارگری بریتانیا - و بیل نایت - نماینده شورای کارگری "آیروین" شرکت داشتند.

شرکت کنندگان ضمن محکوم کردن سیاست جنگ طلبانه حکام جمهوری اسلامی حمایت کامل خود را از توده‌های دربند و دیگر زندانیان سیاسی ترقی‌خواه ایران اعلام کردند و خواستار پایان جنگ ایران و عراق شدند.

● کنفرانس سالانه حزب کمونیست بریتانیا، شعبه منچستر در روزهای ۷ و ۸ آوریل (۱۸ و ۱۹ فروردین) در این شهر برگزار گردید و طی صدور قطعنامه‌ای پشتیبانی بی‌دریغ خود را از مبارزان دربند رژیم جمهوری اسلامی ابراز داشت. این کنفرانس بازداشت، شکنجه و اعدام اعضای حزب توده ایران را شدیدا محکوم کرد.

گردهمایی جهانی جوانان و دانشجویان در فرانسه، عرصه دیگری از همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

فستیوال جوانان و دانشجویان در روزهای ۲۶ و ۲۷ ماه مه (۵ و ۶ خرداد) با تم‌های اصلی مبارزه علیه امپریالیسم و در راه صلح در شهر جونوویلیه فرانسه برگزار شد. در میان میهمانان جشن که از چهار گوشه جهان گرد آمده بودند، سازمان جوانان توده ایران و جوانان هوادار سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) نیز بار دیگر با برپایی غرفه‌ای، پشتیبانی جوانان ایران را از نهضت جهانی جوانان و مبارزه علیه امپریالیسم و به خاطر صلح نشان دادند.

گرفه ایران توجه شرکت کنندگان

در مراسم را به ویژه به خود جلب می‌کرد و بازدید کنندگان ضمن امضای کارت پستال‌های اعتراضی، اعمال وحشیانه رژیم حاکم بر ایران را در قبال مبارزان راه آزادی و صلح در ایران و فشار و تضيیقات بر احزاب و سازمان‌های مترقی، از جمله حزب توده ایران، سازمان جوانان توده ایران، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را به شدت محکوم ساختند.

نمایندگان احزاب و سازمان‌های مختلف و نیز شخصیت‌های سیاسی برجسته شرکت کننده در فستیوال نیز اعتراض‌نامه‌ای را که در آن به بند کشیدن و شکنجه احسان طبری، شخصیت فلسفی و ادبی میهن ما محکوم گردیده است، امضا کردند و آزادی فوری وی را خواستار شدند.

● شرکت کنندگان در مراسم راه پیمایی اول ماه مه در شهر لیبیل فرانسه، با ابراز احساسات پزشور، از حضور هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در این گردهم‌آیی استقبال کردند. کارگران فرانسوی و نمایندگان احزاب و سازمان‌های مترقی به اشکال مختلف همبستگی خود را با اعضای دربند حزب ما نشان دادند. از جمله طی امضای متن‌های اعتراضی، اعمال شکنجه و کشتار بی‌رحمانه توده‌ای‌ها و سایر آزادی‌خواهان ایران را به دست جلادان حکومت جمهوری اسلامی، شدیدا محکوم کردند.

گروهی از نیروهای مترقی فرانسوی نیز تلگرام‌هایی مبنی بر اعتراض نسبت به اعمال بی‌رویه رژیم به دفتر آیت الله منتظری و سفارت جمهوری اسلامی در پاریس مخابره نمودند. این تلگرام‌ها به امضای کمونیست‌ها و سندیکای ت. ژ. ت. رسیده است.

● در جشن منطقه‌ای حزب کمونیست فرانسه در آسون که در روزهای دوم و سوم ژوئن (۱۲ و ۱۳ خرداد) برگزار شد، غرفه مشترک حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) مورد استقبال ویژه شرکت کنندگان در مراسم قرار گرفت. آنان به طرق مختلف و از جمله امضای کارت‌های اعتراضی، خشم و نفرت خود را نسبت به اعمال بی‌رویه حاکمیت جمهوری اسلامی در قبال نیروهای مترقی میهن ما نشان دادند.

به مناسبت شصت و چهارمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران

اکنون تجار ایرانی در آستانه ورشکست کاملند... این وضع شاق بورژوازی کوچک و متوسط تجاری ایران روحیات انقلابی معینی در وی ایجاد می‌کند.

۵

روحانیت در ایران فوق‌العاده کثیرالعدد است. تقریباً صدهزار نفر به زمره روحانی تعلق دارند. روحانیت نقشی عظیم در زندگی کشور ایفا می‌کند، زیرا قدرت قضایی و معارف در دست آن‌هاست... روحانیون به دو بخش مختلف قویا تقسیم می‌شوند. بخش فوقانی که "مجتهدین" نام دارند اراضی زراعی وسیعی را در دست دارند و به ملاکان مبدل شده‌اند و بر دهقانان ستم می‌رانند و آن‌ها را استثمار می‌کنند. این بخش روحانیت بسیار مرتجع است و تماماً از دولت شاهی حمایت می‌کند. بخش دیگر روحانیت که بیشتر شهرنشین است از موقوفات بهره‌ای ندارد و از جهت منافع اقتصادی خود با بورژوازی کوچک پیوند نزدیک دارد. این بخش روحانیت خواستار اصلاحات دمکراتیک است و در انقلاب سال ۱۹۰۸ شرکت فعال داشته است.

۶

طبقه حاکمه امروزی ایران یعنی ملاکان (که تنها قریب سه هزار است) دارای ده‌ها و صدها ده یعنی اراضی زراعی و دهقانانی هستند که در این اراضی به کشت و کار مشغولند. طبیعی است که این ملاکان امیدوار نیستند که بتوانند وضع اقتصادی خود را در یک رژیم نو حفظ کنند، لذا با تمام قوا حافظ نظم موجود، یعنی دولت ارتجاعی شاه و حاکمیت امپریالیست‌های خارجی هستند.

ملاکان درک می‌کنند که با سقوط حاکمیت سیطره‌جویان بیکانه، قدرت خود آن‌ها ساقط می‌شود، لذا با دو دست به دامن انگلیس چنگ می‌زنند و با تمام قوا می‌کوشند نفوذ این کشور را حفظ کنند. هر جنبش انقلابی، حتی اگر خالص ملی هم بقیه در صفحه ۷

۳
صناعت فابریکی در ایران به هیچ‌وجه موجود نیست. کوشش‌هایی که در آغاز قرن بیستم برای ایجاد آن‌ها شده، در اثر واکنش انگلیس و روسیه تزاری به ناکامی کامل انجامیده است.

همچنین صنایع بزرگ معدنی وجود ندارد، زیرا سرمایه‌داران انگلیس و روس که امتیازات مختلفی از شاه گرفته‌اند، همه ثروت‌های طبیعی کشور ما را به خود منحصر ساخته و اکثر آن‌ها را بلااستفاده گذاشته‌اند. فقدان مطلق راه‌های آهن... برای تکامل اقتصادی ایران مانعی بس بزرگ پدید آورده است....

در ایران، پرولتاریای صنعتی به هیچ‌وجه وجود ندارد. گروه‌های کارگران فابریکی که در دوران تلاش برای ایجاد صنایع بومی آغاز پیدایش نهادند پس از بسته شدن فابریک‌ها بخشی به خارج (و به طور عمده باکو) مهاجرت کردند و بخش دیگر در شهرهای بزرگ سکونت گزیدند.

سرمایه‌داری اروپا در جریان نفوذ خود در ایران صنعت پیشه‌وری را که زمانی بسطی فراوان داشت و اکنون شاید به زحمت نیمی آن باقی مانده باشد تقریباً به کلی نابود کرد و صدها هزار پیشه‌ور و حرفه‌مند را به صفوف فقر واد ساخت.

لومپن پرولتاریا که از کارگران، پیشه‌وران و حرفه‌مندان سابق تشکیل می‌شود و انبوه دهقانان ورشکسته و بی‌زمین دالفا به آن می‌پیوندند، بخش مهمی از اهالی شهرهای ایران را تشکیل می‌دهند. این طبقه به علت شرایط تحمل‌ناپذیر گذران خود دارای روحیه کاملاً انقلابی است ولی غیرمتشکل است و فاقد آگاهی طبقاتی است.

۴

سرمایه بازرگانی که طولانی‌تر و مجدانه‌تر از همه برای حیات خود مبارزه کرده است، سرانجام در اثر انحصاری شدن اعتبارات به دست بانک‌های خارجی سرکوب شد و

درباره پیدایش اندیشه‌های سوسیال‌دمکراسی انقلابی در ایران و زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی تأسیس حزب کمونیست ایران، مقالات مفصلی در گذشته منتشر شده است. کتاب غنی "نظری به جنبش کارگری کمونیستی ایران" و مقالات متعدد منتشره در مجله دنیا، به ویژه سلسله مقالاتی که در "نامه مردم" - دوره هفتم از شماره ۲۶۵ - به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب به چاپ رسید، نکات عمده پیرامون این رویداد تاریخی را مطرح می‌کنند.

"راه توده" برای اجتناب از تکرار برخی بررسی‌های تاریخی لازم می‌بیند سندی از اسناد حزب کمونیست ایران را برای خوانندگان خود منتشر سازد.

معرفی سند:

فئودال‌های زمین‌دار (خان‌ها، مالکان) دهقانان را بی‌رحمانه استثمار می‌کنند. آنان با تکیه به قدرت دولت، دهقانان را عملاً وابسته به خود و ملک خود نگاه داشته‌اند و تنها زمین و اموال منقول دهقان، بلکه جان او را نیز در ید تصرف خود دارند.

دستگاه دولتی ایران که به طور عمده از اشرافیت کهنه فئودالی تشکیل شده، به علت آن که رسم فروش کلیه مقامات و مشاغل دولتی تا امروز محفوظ مانده است به مردمی که تحت رهبری اوست به مثابه غلامان و باجگذاران می‌نگرد و تنها توجهش معطوف اخذ حداکثر عایدی از اهالی است ضمن آن که تمام سنگینی مالیات‌های رنگارنگ و جابراهه پردوش دهقانان قرار دارد که او را ورشکست می‌کند، آواره می‌سازد.

۲

عشایر چادرنشین که تقریباً در وضع بدوی زندگی می‌کنند وسایل زندگی خود را از جمله از غارت منظم و متشکل اهالی ساکن به دست می‌آورند. آن‌ها دهقانان را به پرداخت سیورسات و مالیات داهی نقدی و جنسی مجبور می‌سازند. با آن که تاخت و تاز چادرنشینان زیان عظیمی به زارعین بی‌سلاح وارد می‌سازد، شاه و دولتش علیه آن‌ها دست به کوچک‌ترین اقدام نمی‌زنند، زیرا اولاً با هیچ نیرویی نمی‌تواند با آن‌ها مقابله کند؛ ثانیاً عشایر جنگی و مسلح در صورت بروز خطر داخلی و خارجی پشتیبان او هستند.

در ژانویه ۱۹۲۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، سند مهم تحلیلی و تئوریک تحت عنوان "تزهایی در باره وضع اجتماعی و اقتصادی ایران و تاکتیک حزب کمونیست ایران (عدالت)" به تصویب رساند که بعدها به "تزهایی حیدر عموغلی" معروف شد. این تزهایی مهم‌ترین سندی است که در آن ایام برای تحلیل مارکسیستی وضع ایران و توصیف جامعه آن‌روزی کشور ما و تعیین تاکتیک حزب طبقه کارگر به عمل آمده است. تدوین این سند از سوی "کنگره خلق‌های خاور" به عهده حیدر عموغلی گذاشته شد و پس از تنظیم به تصویب کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران رسید. این سند نشان می‌دهد که کمونیست‌های ایران از همان آغاز به دیدی واقع‌بینانه در مورد جامعه ایران، انقلاب ایران و نیروهای محرکه انقلاب مجهز بودند و با به کارگیری اسلوب تحلیل مارکسیستی اوضاع مشخص جامعه آن زمان ایران را ترسیم کرده‌اند.

"ایران در مرحله گذار از زندگی پدرشاهی - عشایری و فئودالی به سرمایه‌داری قرار دارد. ۷۵٪ اهالی که به طور عمده به کار زراعت مشغولند از اهالی ده‌نشین و شهرنشین و ۲۵٪ از عشایر چادرنشین تشکیل شده‌اند. یگانه طبقه اساسی و مولد ایران دهقانان زحمتکشند که "رعیت" نام دارند که بدون بهره‌کشی از کار دیگران، اقتصاد کوچک خود را اداره می‌کنند.

۱۱ سال از شهادت رفیق حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران گذشت

حماسه پایداری توده‌ای‌ها، سرود خلق...

۱۱ سال از شهادت حماسی یکی از بهترین فرزندان خلق، رفیق شهید پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، در زیر شکنجه‌های استی کش جلاخان ساواک می‌گذرد. ۱۱ سال پیش در چنین روزهایی شکنجه گران رژیم رفیق حکمت جو را پس از گذراندن ۹ سال زندان دوباره به اطاق‌های تمشیت کشاندند و با وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها هستی پر بار و غرور آفرینش را غارت کردند. پایبندی و استواری رفیق حکمت جو که زهر تلخ شکنجه و زندان با حلاوت آرزوی دستیابی مردم به زندگی‌ای در خورده انسان، سرشار از سعادت و بهروزی تحمل می‌کرد، خاری بود که چشمان محیل دشمن را به کلی کور می‌کرد.

رفیق شهید پرویز حکمت جو، در سال ۱۳۰۶ در یک خانواده روشنفکر متوسطه دنیا آمد. او در سال ۱۳۳۱ به سازمان افسری حزب توده ایران پیوست و پس از لو رفتن سازمان افسری، از ایران خارج شد. پس از چند سال رفیق حکمت جو به همراه همسرش قهرمانش، رفیق علی خاوری برای تجدید سازمان حزب توده ایران به وطن بازگشت. اقدامات ابتدایی این دو مبارز خستگی‌ناپذیر هنوز به ثمر نرسیده بود که دستگیر شدند.

رفیق حکمت جو و رفیق خاوری عرصه نبرد خود را به پیداکاه شاه

منتقل کردند و در جریان محاکمات به افشای چنایات و خیانت‌های رژیم پرداختند و هر دو به اعدام محکوم شدند.

فشار افکار عمومی جهان و مبارزه بی‌گیر حزب در ایران و خارج از کشور حکم اعدام آنان را به حبس ابد تبدیل کرد.

شاه و سرسپردگان جلا او برای جبران "سرافکنده‌گی" ناشی از این عقب‌نشینی، همه ترفندها و توان خود را به کار گرفتند تا از این دو قهرمان، چهره دیگری بسازند. تلاشی که هیچ‌گاه موثر نیفتاد.

از آن پس تا ۲۵ خرداد ۱۳۵۳ نبرد ناپرابر دژ خبیان با رفیق حکمت جو در عرصه زندان و شکنجه‌گاه ادامه یافت. تا سرانجام در این روز افسر خلبان، رفیق پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران به اوج پرواز کرد و اسطوره‌ای دیگر به تاریخ پرافتخار مبارزات خلق‌های ایران و حزب توده ایران افزود.

اکنون که رژیم انسان‌ستیز و آزادی‌سوز جمهوری اسلامی در همان جاده‌ای گام می‌زند که دست‌پروردگان سیا و ساواک آن را کوبیده‌اند، به رزم هیاهوها و جنجال‌های تبلیغاتی و هوجبی بازی‌های رسوا، فرزندان خلق و توده‌ای‌های پرآمده از تبار "پرویز" ها، همچنان سیه‌های نکبت‌بار شکنجه‌گاه‌ها را می‌دوراند.



حماسه پایداری توده‌ای‌ها از نوزاده می‌شود. حماسه آن مادر قهرمانی که خود را از دیدن چند ماه یک پارتنها فرزند تازه زبان کشوده اش محروم می‌کند تا به تنهایی در کتبخ‌دخمه‌های تاریک رژیم، میثاق خویش با حزب و مردمش را حفظ کند؛ حماسه آن جوان یکباره پیر شده‌ای که مردن تدریجی وی چشمانش را خموشانه تحمل می‌کند و با لبخند می‌گوید: با همین نوری که در قلمب است می‌توانم ببینم و زندگی کنم؛ حماسه مردان و زنان شیفته زندگی‌ای که برای ماندن در راه مردم، پیش از یک بار مرگ را انتخاب کرده‌اند....

این حماسه‌ها پنهان‌گردنی نیست؛ همان‌گونه که فراموش شدنی نیست. سرنوشت پسندیده آن‌ها سروده شدن، ستوده شدن و همواره جاری بودن در قلب و ذهن مردم است. فردا بیش از امروز!

روزافزون سرمایه انگلیسی و بقای نظام گذشته طبقه کاسب ایران را به فناء قطعی محکوم می‌کند.

همه طبقات نام‌برده در فوق پانزده سال است در حال جوش و خروش انقلابی هستند و خرابی وضع اقتصادی آن‌ها به تراکم روزافزون انرژی انقلابی کمک می‌کند و انفجار انقلابی را ناگزیر می‌سازد.

بدین ترتیب روشن است که مرحله اول جنبش انقلابی باید دارای خصلت‌هایی، بخش‌هایی باشد:

(۱) در ترما از بورژوازی کمپرادور که به نوبه خود دارای خصلت ضدانقلابی بود ذکری نشده است. مترجم

(۲) درصدها و پیکره‌هایی که در این سند ذکر شده است قاعدتا باید تخمینی و حدسی باشد. مترجم ا. ط.

جنبش اعتراضی دانشجویان شکل می‌گیرد

بقیه از صفحه ۴
شد ملی و ارتجاعی رژیم در جامعه و دانشگاه به مقابله برخاسته‌اند. رژیم بدینوسیله به آنها چنگ و دندان نشان می‌دهد. بسیاری از دانشجویان مسلمان آگاه هم که با سیاست‌های رژیم مخالفند، در کنار توده دانشجویان در اعتراضات عمری شرکت می‌کنند. تظاهرات دانشجویان در دانشگاه تبریز در اسفند ماه گذشته یک نمونه از این اعتراضات گسترده است. گذشته از اعتراضات دانشجویان، پدیده دیگری نیز در دانشگاه‌ها نمایان است. تعداد زیادی از دانشجویانی که در سال جدید تحصیلی ثبت نام کرده‌اند در اواسط سال از تحصیل دست کشیده و یا تغییر رشته می‌دهند. چنانکه تنها در عرض یک هفته ۱۶ نفر از دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران از ادامه تحصیل منصرف شده‌اند. همه دانشجویان بی‌دورما بودن تحصیل در دانشگاه‌های جمهوری اسلامی را علت این اقدام خود بیان می‌دارند. این پدیده در کنار رشد جوانه‌های اعتراض به وضع موجود، جنبه‌های بحران‌فراینده فرهنگی و آموزشی در جمهوری اسلامی است.

مانورهای اخیر رژیم، از یک سو سیاست تهدید و ارعاب و از سوی دیگر، هیاهو برای رفع مشکلات دانشجویان در جهت جلب حمایت آنها راه جنبش اعتراضی دانشجویان را سد نخواهد کرد. جنبش دانشجویی ایران فریب تزویر و دروغ را نمی‌خورد و درس خود را در روزهای سیاه و اختناق بخوبی می‌داند. اینبار نیز دانشجویان بدون تردید همچون گذشته و با بهره گرفتن از سنت‌های قهرمانانه و حماسی مبارزات پیشین ۱۶ آذر و ۱۲ آبان و... متحد و یکپارچه در برابر فشار، اختناق و ظلم می‌ایستند و نقش‌شایسته خود را در جنبش عمومی خلق ایفا خواهند کرد.

از گوشه و کنار ایران...

بقیه از صفحه ۱۳
باز پس گرفت و به هزینه‌های جنگی اختصاص داد. طی همین بخشنامه محرمانه احتمال داده می‌شد که ۲۰٪ دیگر از این بودجه عمرانی نیز در صورت نیاز به کار گرم نگه‌داشته شود. تنور جنگ اختصاص داده شود.

به مناسبت شصت و چهارمین...

بقیه از صفحه ۶

گریخته‌اند و طبقه فقرای شهری را تشکیل می‌دهند.

ب- تعداد انبوه دهقانان (رعیت) که نه تنها از حق مالکیت بر ملک و خانه و چارپا، بلکه از حق شخصیت نیز محرومند و ملاکان و خان‌ها و مجتهدان آن‌ها را بی‌رحمانه بهره‌کشی می‌کنند و در زیر بار سنگین بهره‌مالکانه و مالیات دولتی کمر خم کرده‌اند و امیدوی به بهبود وضع رقت‌بار خود در صورت حفظ نظام موجود ندارند.

ج- طبقه انبوه کاسب‌کاران متوسط و کوچک که به سه میلیون و نیم بالغ می‌گردند (۲) و در مرز فقر کامل قرار دارند و درک می‌کنند که رقاقت

باشد، و علیه انگلیس متوجه شود، از طرف ملاکان با رفتار خصمانه و مقابله مسلحانه روبرو می‌شود.

احکام فوق نشان می‌دهد که اکنون ایران، کشوریست که از لحاظ اقتصادی رشدیافته نیست بلکه به قهقرا می‌رود و این وخامت دانی شرایط اقتصادی زندگی اکثریت اهالی زمینه مساعد برای انقلاب ایجاد می‌کند. علیه تنها طبقه ضدانقلابی (۱) ملاکان بزرگ طبقات پالاقه انقلابی زیرین ایستاده‌اند:

الف- مقدم بر همه هزاران پیشه‌ورو حرفه‌مند و کارگر کارخانه‌های تعطیل شده و دهقانان بی‌زمین که در جستجوی کار

جنگ ایران و عراق، تأمین کننده "منافع حیاتی"

امپریالیسم آمریکاست

ایران و عراق راه حل نظامی ندارد، آماده می‌شوند تا یک دوره دیگر قمار محکوم به باختی را با هستی زحمتکشان میهن ما از سر بگیرند. در آستانه کشتار و خون‌ریزی دامنه‌داری که در راهست، یک بار دیگر خطوط اصلی این فاجعه تاریخی را مرور می‌کنیم.

امپریالیسم آمریکا، آتش افروز و بهره‌بردار اصلی جنگ ایران و عراق

اهمیت بین‌المللی جنگ ایران و عراق ایجاب می‌کند که تحولات ناشی از آن را در چهارچوب نبرد سرنوشت ساز میان بشریت مترقی و امپریالیسم و ارتجاع جهانی بررسی کنیم.

در حالی که دهه‌های شمت و هفتاد قرن بیستم میلادی، تشدید بحران عمومی امپریالیسم، نیرومندی دم‌افزون اردوگاه سوسیالیسم، رشد جنبش کارگری و کمونیستی در کشورهای امپریالیستی و ضربات کوبنده و مداوم پیروزی انقلاب‌های رهایی‌بخش ملی، مراحل نهایی احتضار امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را بشارت می‌داد، در سال‌های هشتاد، امپریالیسم که از احساس خطر مرگ نیرو می‌گرفت، تهاجمی جنون‌آمیز و وحشیانه بر علیه بشریت مترقی را آغاز کرد. هدف دست نیافتنی این تهاجم که هم‌ایک با شدت تمام ادامه دارد، تضمین اردوگاه سوسیالیسم و جنبش کارگری و کمونیستی در کشورهای امپریالیستی و سرکوب جنبش‌های رهایی‌بخش ملی است.

تشنج‌فزایی و تشدید مسابقه تسلیحاتی با هدف برهم زدن تناسب قوا میان اردوگاه سوسیالیسم و امپریالیسم، اعلام جنگ صلیبی علیه اردوگاه سوسیالیسم و یورش افسارگسیخته به جنبش‌های رهایی‌بخش ملی، گرنادا، السالوادور، نیکاراگوئه، آنگولا، لبنان، افغانستان و ایران - راستاهای اصلی تهاجم عمومی امپریالیسم جهانی است.

یکی از شاخص‌های واکنش تهاجمی کنونی امپریالیسم، دکترین تازه‌ای است که نظریه پردازان امپریالیسم آمریکا برای توجیه سیاست تجاوزکارانه خویش پرداخته‌اند. در حالی که پیش از این ایالات متحده، سیاست تجاوزگرانه خود را به طور عمد به استناد "خطر شوروی" و "خطر کمونیسم" توجیه می‌کرد، در سال‌های اخیر پیش از پیش از دفاع از "منافع حیاتی آمریکا" دم می‌زند. روشن است که منظور از "منافع حیاتی آمریکا" همان ادامه غارت منابع طبیعی و نیروهای تولیدی کشورهای ازبند رسته است که بدون آن امپریالیسم محکوم به مرگ هرچه سریع‌تری است. در واقع تدوین آیین

تصادفی نیست که تدوین آیین با طراحی نقشه جنگ ایران و عراق به وسیله پنتاگون - کاخ سفید - ارتجاع منطقه خلیج فارس هم‌زمان انجام شده است.

تسلط بر خلیج فارس که یکی از ثروتمندترین و حساس‌ترین مناطق استراتژیک جهان است، از دیرباز یکی از آماج‌های اساسی ایالات متحده بوده است. امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در سال‌های پس از پیروزی جنگ جهانی دوم، کنترل کامل اوضاع در خلیج فارس را در دست داشت. جنبش‌های رهایی‌بخش منطقه به کمک کودتاهای ارتجاعی - ترکیه و پاکستان - و جنگ منطقه‌ای - ظفار -



سیاه واکنش سریع، تهدیدی برای امنیت منطقه خلیج فارس

"دفاع از منافع حیاتی آمریکا"، واکنش امپریالیسم در برابر اوجگیری جنبش‌های رهایی‌بخش ملی در نبرد با نظام نواستعماری و بازتاب هراس دم‌افزون انحصارات غارتگر از از دست دادن امکان چپاول مداوم کشورهای نوآزاد است.

نخستین بار آیین "دفاع از منافع حیاتی آمریکا" در ژانویه ۱۹۸۰ در گزارش کارتر به کنگره آمریکا عنوان شد. بر اساس این آیین که بعدها به یکی از پایه‌های اصلی سیاست خارجی آمریکا در حکومت ریگان تبدیل شد، ایالات متحده به خود اجازه می‌دهد که برخلاف تمامی موازین حقوقی و عرف شناخته شده بین‌المللی، هزاران کیلومتر دورتر از خاک خویش، هر جنبش انقلابی و استقلال طلبانه‌ای را به انواع وسایل، از جمله با دخالت مستقیم نظامی سرکوب کند.

سرکوب می‌شود، وابستگی اقتصادی و سیاسی کشورهای منطقه، بیمن‌های نظامی سنتر و شورای همکاری خلیج، پایگاه نظامی عظیم دیه‌گوکارسیا در اقیانوس هند و پایگاه معصیره در خلیج فارس و ناوگان‌های آمریکایی، غارت امپریالیستی دائمی خلق‌های منطقه را تضمین می‌کردند. تنها در سال‌های پایانی دهه هفتاد بود که پیروزی انقلاب در افغانستان و ایران ارکان این تسلط مطلق را متزلزل کرد.

از جمله و به ویژه برای بازگرداندن این تسلط بود که سیاستمداران آمریکایی از یک سو آیین "دفاع از منافع حیاتی آمریکا" را عنوان کردند و بر اساس آن سیاه چند صد هزار نفری واکنش سریع، متشکل از نظامیان حرفه‌ای و مجهز به مدرن‌ترین سلاح‌ها و از جمله

سلاح‌های هسته‌ای و نوترونی را تشکیل دادند و از سوی دیگر، با هدایت مستقیم زبیکنیو برژینسکی، مشاور امنیت ملی رییس جمهور وقت آمریکا، با واسطگی ارتجاع منطقه و در رأس آن عربستان سعودی و به کمک سلطنت طلبان ایرانی، ارتجاع عراق را به حمله به خاک ایران انقلابی تشویق کردند.

بذر جنایت و ویرانی که ایالات متحده کمتر از ۴ سال پیش در خلیج فارس پاشید اینک به بار نشسته است. به ازای مرگ صدها هزار انسان و ویرانی اقتصاد دو کشور درگیر، انحصارات امپریالیستی سودهای کلان برده‌اند و می‌برند و زنجیر سلطه نواستعماری پر دست و پای ملل منطقه مستحکم‌تر می‌شود.

امروز از جنگ ایران و عراق بیشتر از همیشه بوی نفت استشمام می‌شود. کارتل‌های بین‌المللی نفت و به ویژه انحصارات نفتی آمریکا از برکت بحران خلیج فارس، بازار جهانی نفت را بیش از پیش در اختیار می‌گیرند و ابرسودهای کلان‌تر می‌اندوزند. این واقعیت که واردات نفتی آمریکا از خلیج فارس از همان ماه‌های نخست جنگ ایران و عراق بی‌سروصدا کاهش پیدا کرد تا به کمتر از ۱۰٪ کل واردات نفت این کشور رسید و در عوض ذخایر نفتی استراتژیک آمریکا از ۱۱۰ میلیارد بشکه به ۸۸ میلیارد بشکه افزایش پیدا کرده، بی‌شبهه حاکی از آنست که صاحبان انحصارات نفتی ایالات متحده از همان روز نخست از ابعاد و دامنه نقشه‌های دولت آمریکا برای نفت خلیج فارس مطلع بوده‌اند و برای بهره‌برداری از اوضاع کنونی تدارکات لازم را دیده‌اند.

در نتیجه جنگ فرسایشی اینک صادرات نفت ایران و عراق به حداقل رسیده است و به جای آن صدور نفت از کشورهای عربستان سعودی و کویت و امارات عربی متحده که شرکای عمده انحصارات نفتی آمریکایی در منطقه هستند افزایش یافته است. در نتیجه جنگ، علی‌رغم افزایش مصرف، قیمت نفت صادراتی اوپک به طور بی‌سابقه‌ای کاهش یافته است. در عمل، نفت

جنگ ایران و عراق، تأمین کننده "منافع حیاتی" ...

بقیه از صفحه ۸

می دانند صدام آن را طبق منافع و با تحریک آمریکا آغاز کرد پیش آمده است. در ورای پرده دودی که آمریکا ایجاد کرده، هدف اصلی اش تحمیل یک جنگ فرسایشی طولانی است. در برابر این تدارکات و دام گسترده ها، اصل عبارتست از نجات و تحکیم انقلاب ایران از خطر توطئه و بند دام ها و تثبیت جمهوری اسلامی و نایل به سوی اهداف بزرگی که انقلاب پیش روی داشته است و دارد" (تحلیل هفتگی حزب توده ایران - شماره ۵) - ۲۷ مرداد (۶).

ما تأکید کردیم:

"درهم شکستن توطئه آمریکا، که با یاری "عروسک" های منطقه ای اش می خواهد انقلاب را، از راه

بهترین وجه تأمین کننده این مطامع غارتگرانه بوده است. امپریالیسم آمریکا آتش افروز و پرنده اصلی جنگ ایران و عراق است.

این تحولات شوم چگونه با این سرعت تحقق یافت؟ بدون توجه به تحول اوضاع داخلی انقلاب ایران به سود راستگرایان که جریان وقایع را در راستای نضج شرایط برای تحقق توطئه های امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا سوق داده پاسخ به این سؤال روشن و دقیق نخواهد بود.

اسلامی درآمده اند. آنان با قدرت آتش کشتی های توپ دار از مناطق تحت اشغال خویش حفاظت می کنند. بنا بر اطلاعات رسمی نیروهای نظامی ایران تا کنون سه بار با کنترل نظامی آمریکایی در وضعیت جنگی روبرو شده اند. آخرین بار یک فروند هواپیمای جنگنده ایران به همکاری نظامیان آمریکایی و عربستان سعودی سرنگون شد.

تأسف آور آنست که دولت های سواحل خلیج فارس در نتیجه شرایط ناامنی از جنگ نه تنها اعتراض به

کشورهای عضو اوپک حتی کمتر از قیمت رسمی کنونی اوپک به فروش می رسد. اقدام تأسیسات استخراج و صدور پالایشگاه های نفت و خسارات اقتصادی هنگفت ایران و عراق که به صدها میلیارد دلار بالغ می شود، این دو کشور بزرگ نفت خیز را برای سالیان دراز به صورت فروشندگان نفت ارزان در آورده است. مجموعه این تحولات لطمات بسیار جدی به مبارزات کشورهای صادرکننده نفت در راه اصلاح و تعدیل تقسیم کار نواستعماری بین المللی در تولید و صادرات و توزیع نفت وارد آمده است.

انحصارهای اسلحه سازی امپریالیستی کمتر از انحصارات نفتی از جنگ ایران و عراق بهره مند شده اند: ده ها میلیارد دلار سلاح ساخت این انحصارات در میدان های جنگ به آهن پاره های سوخته تبدیل شده اند، و جای آنها با سلاح های نوساخته پر شده است. بازسازی و تشدید روند وابستگی تسلیحاتی این کشورها به امپریالیسم جهانی برای سالیان سال سودهای کلان انحصارات اسلحه سازی را تضمین کرده است.

به تأسیسات صنعتی و اقتصادی هر دو کشور که وابسته به بازار جهانی امپریالیستی هستند، صدها میلیارد دلار خسارت وارد آمده است. بازسازی این تأسیسات، منبع سودهای هنگفت برای شرکت های چندملیتی است.

در سال های نخست پس از پیروزی انقلاب در افغانستان و ایران، کمتر کسی تصور می کرد نیروهای نظامی ایالات متحده به این زودی بتوانند همچون ارباب و فرمانده نظامی و ژاندارم منطقه در خلیج فارس رژه برونند. به یاری آتشی که در خلیج فارس پرافرخته شد بخش مهمی از این رویای دیرینه پنتاگون اینک تحقق یافته است. ناوگان آمریکایی به بهانه تأمین امنیت منطقه، حساس ترین مناطق خلیج فارس را منطقه آمریکایی اعلام کرده است و برای عبور و مرور هوایی و دریایی از این نقاط، مقررات استعماری وضع کرده است. آمریکایی ها با این ترفند به صورت کشوری در روی آب به یکی از ساکنان دائمی خلیج و همسایه جنوبی جمهوری



موشک های استینگر آمریکایی که به عربستان سعودی تحویل داده شده است.



ناوهای پیما بر کیتی هاوک که به خلیج فارس اعزام شده است.

ادامه توسعه طلبانه جنگ ایران و عراق، اهرم سلطه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان بر انقلاب ایران

مردم ما به یاد دارند در تابستان سال (۶)، هنگامی که پس از آزادسازی خرمشهر و شکست نظامی همه جانبه تجاوز امپریالیستی عراق، نیروهای ایران به مرزهای دو کشور رسیدند و حکومت متزلزل عراق بخش عمده خواست های برحق ایران را پذیرفت و جنبش انقلابی در عراق اوج گرفت، نیروهای پیگر انقلابی و پیشاپیش همه، حزب توده ایران و سازمان برادر، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، بنا به مسئولیت تاریخی خویش، خواستار پایان جنگ شدند.

حزب توده ایران اعلام کرد: "مرحله تازه ای در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران انقلابی که همه

حضور نظامی آمریکا در مرزهای کشورشان ندارند، بلکه کم و بیش خواستار آنند، حتی دولت جمهوری اسلامی که در گفتار هنوز مواضع پرخاش جویانه ضد آمریکایی اش را ترک نکرده است، در عمل نشان داده است که به شرط آن که نیروهای آمریکایی فعالان منافع جمهوری اسلامی را در جنگ با عراق تهدید نکنند، اعتراضی به اصل حضور نظامی آمریکا در منطقه ندارد. در نتیجه گسترش ناامنی در خلیج فارس، افکار عمومی جهانی که برای نمونه نسبت به اشغال نظامی گرانادا و مین گذاری بنادر نیکاراگوئه از سوی ایالات متحده اعتراض جدی به عمل آورده، در این عرصه دستخوش جنجال آفرینی های عوام فریبانه امپریالیست هاست.

به این ترتیب جنگ خلیج فارس نه تنها بنا به ادعای مزورانه آمریکایی ها "منافع حیاتی آمریکا" را محدود نکرده است، بلکه به

فرسایشی کردن جنگ و تحلیل بردن بنیه مادی و انسانی کشور تضعیف کند، و ما را از رسیدن به اهداف انقلاب و تحول بخشیدن به اوضاع اجتماعی - اقتصادی جامعه بازدارد و زمینه را برای انجام اقدامات پراندازی فراهم سازد، وظیفه میرمی است که که اهمیتش بیش از پیش آشکار می شود" (همانجا - شماره ۶۷ - ۱۶ آبان ۶).

اما سران جمهوری اسلامی به این هشدارها وقعی ننهادند. در نماز جمعه هشدار مسئولان حزب ما را ناشی از وابستگی به سیاست اتحادشوری

“همین الان بروید به اصفهان...”

در روزها و هفته‌های اخیر در میهن ما وقایعی رخ می‌دهد که شایسته توجه و دقت بیشتری هستند. این وقایع نشان می‌دهند که ناراضیاتی مردم از سیاست‌های ارتجاعی حاکم به اقدامات عملی برای مقابله با این سیاست‌ها می‌انجامد مردم از خود می‌پرسند تا کی باید ازین حاکمیت زور بشنوند، تا کی باید برای جنگی ابلهانه کشته بدهند، تا کی باید در حسرت آزادی‌آه بکشند، تا کی باید اسیر بی‌دانشی و ندانم کاری‌های غاصبان ستمگر باشند، تا کی باید طعمه و شکار بی‌دفاع مثنی سرمایه‌دار خونخوار باشند؟

البته نباید تصور کرد حاکمیت جمهوری ازین وضع بی‌اطلاع است حتی در مجلس شورای اسلامی هم برخی از این ناراضی‌ها مطرح می‌شود، ولی حاکمیت به دلیل انتخاب راه بی‌فرجام و بحران‌زای سرمایه‌داری وابسته گرفتار چنان بحرانی است که قادر به حل مسئله نیست. من باب نمونه بخشی از سخنان نماینده رودسر را در آخرین جلسه مجلس شورای اسلامی که حاوی تصریحات و اقرارهای حیرت‌انگیزی است از اطلاعات ۵ خرداد ۱۳۶۳ نقل می‌کنیم:

“... به جای تولید بیشتر روز به روز واردات بیشتری داشته باشیم. به جای ۵۰۰ هزار تن گندم، ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تن گندم وارد کنیم. تورم کشنده، مستضعفین و مردم را از پای در بیاورد و مستضعفین و مردم نتوانند زندگی کنند... بعضی از دوستان و برادرانمان مثل اینکه به شوقی قضیه را می‌گذرانند و می‌گویند اختلاف سلیقه است. اما کجا اختلاف سلیقه است؟ ریشه اقتصادی کشور به این وابستگی دارد، اختلاف سلیقه نیست، جان مردم دارد به لب می‌رسد.

“... متأسفانه همه ما می‌آییم و شعار می‌دهیم و هیچ‌کدامان حاضر نیستیم این قضیه را به مردم بگوییم. واقعیت این است که مردم بزرگوار ایران، مردم انقلابی ایران... من معتقدم که بعد از پنج سال ما (در) مانده ایم. حال ما دست می‌زنیم به همه کسانی که آن قدرت و شهامت را دارند که بیایند و به مردم بگویند که چه باید بکنیم.”

این اعترافات نماینده مجلس شورای اسلامی در واقع فقط گوشه‌ای از کارنامه سیاه حاکمیت خائن به انقلاب را نشان می‌دهد. واقعیت اینست که حاکمیت جمهوری اسلامی مدتهاست که عملاً به انقلاب و اهداف آن خیانت کرده و تسلیم سرمایه‌داران وابسته و بزرگ مالکان شده است و با این خیانت به منافع ملی و منافع زحمتکشان ایران سرنوشتی جز سقوط در زیله‌دان تاریخ نخواهد داشت.

درماندگی حاکمیت جمهوری اسلامی یا به قول نماینده رودسر “سیستم اداری” طرفدار “خان‌ها، سرمایه‌داران، فاسدان و

بگوییم اگر حرف زده بودیم، نمی‌دانستیم. آن‌ها از کارآیی بیشتری برخوردارند. آن‌ها مدیر و مدیرند... من به عنوان کسی که الان بعد از پنج سال در بخشی از انقلاب بوده‌ام، نمی‌دانم که کدام یک از این شعارها درست است. کدامیک از این‌ها قانونی است. چرا موضع‌گیری‌هایی که در این زمینه شده است هنوز ادامه دارد؟ موضع‌گیری‌های مردم در شهرها و کوچه‌ها و خیابان‌ها روشن است. از این طرف سیستم اداری سعی بر حاکمیت این‌ها دارد و از سوی دیگر سیستم انقلابی در خیابان‌ها و کوچه‌ها برای براندازی این‌ها آماده شده است.

“همه برادرانمان چه مخالف و چه موافق این را پذیرفته‌اند که ما در میان این دودرگیری مشخصی که همه شما آن را احساس می‌کنید به بدترین وضع ممکن کشیده شده ایم. برای اینکه آن کسی که سرمایه‌دار است تن به سرمایه‌گذاری برای تولید نمی‌دهد، زیرا شعارهای انقلابیون به آنها اجازه نمی‌دهد کارخانه و... مراکز تولیدی بسپارند. از طرف دیگر نیروهای انقلابی نیز هیچ تأمین ندارند. تا آنجا که ما می‌دانیم چراغ سبز داده شده است، عده‌ای از خارج برگشته‌اند و عده‌ای در حال برگشتن هستند.

“واقعیت اینست که ما باید به این مردم بعد از پنج سال بگوییم که کدام این‌ها واقع است و کدام اینها از اسلام است؟... این واقعیت باید برای مردم روشن بشود. پنج سال از انقلاب گذشته است، که چی؟ چه باید به مردم بگوییم؟

“نماینده رودسر با اشاره به پایان یافتن اولین دوره مجلس... گفت: “پنج سال از پیروزی انقلاب گذشته است و ما باید نمایانگر دردهای ملتمان در پشت این تریبون باشیم. انقلاب با معیارها و شاخص‌های خاص در روزهای مخصوص در این خیابان‌ها شکل گرفت. اکنون که پنج سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی گذشته است، این مسئله ذهن نیروهای انقلابی این کشور را می‌آزارد که ما با چه سیستم اقتصادی در این کشور زندگی می‌کنیم. شعارهایی که علیه خان، سرمایه‌دار، فاسدان و زورگویان که یکی از محرکین انقلاب بود، باعث شد که نیروهای انقلابی در شهرستان‌ها، در خیابان‌ها و در کوچه‌ها علیه آن‌ها سنگر بگیرند و آن‌ها را از شهرها بیرون کنند و به نظر می‌رسد که این کارها اصالت انقلاب است و انقلاب بر اصالت این شعارها پی‌افشارد.

“... بعد از گذشت چندی برادران و دوستانی دیگر آمدند و گفتند این‌ها نیروهای کار، مطلع، دانا، مدیر و مدیرند. به قول برادرمان آقای پوراستاد، اگر مدیریت خصوصی را از گاو داری برداریم تولید از ۲۰۰ تن شیر به ۲۰ تن کشیده می‌شود. “این دو فکر متضاد چیزی است که تمام شهر، کوچه و خیابان و مردم ما را گرفته است.

“ما بعد از پنج سال هنوز نتوانسته‌ایم به این مردم بگوییم که با کدام یک از این معیارها می‌خواهیم زندگی کنیم. واقعا باید خان‌ها بپروند، فاسدان بپروند، دزدان بپروند، غارتگران بپروند. اگر می‌خواهند برگردند، به نظر من خیلی صادقانه می‌رسد که ما به این مردم

زورگویان” هم درست در همین جاست که چگونه به “مردم شهرها، کوچه‌ها و خیابان‌ها که برای براندازی آماده شده‌اند” اعلام کند که به ساواکی‌ها و فراماسونرها و سرمایه‌داران فراری که “عده‌ای برگشته‌اند و عده‌ای هم در حال برگشتن هستند” چراغ سبز داده است؟ چگونه به مردم اعلام کند که روز از نوروزی از نو، انقلاب بی‌انقلابانه خانی آمده نه خانی رفته و سرمایه‌داری وابسته را دوباره بر کشور مسلط کرده است؟ حاکمیت جمهوری اسلامی خوب می‌داند که برخلاف “بعضی از برادران” که “قضیه را به شوقی می‌گذرانند” مردمی که برای پیروزی انقلاب و اهداف آن صدها هزار شهید داده‌اند، شوقی سرشان نمی‌شود و “قضیه” شوقی بردار هم نیست. آن “بیچاره‌ای” که در وزارت دادگستری به نماینده رودسر می‌گوید “آقا با سه هزار هفتصد تومان چگونه زندگی کنم؟ بچه من گرسنه است، آقا!” آن کسی که وقتی از جیبه برمی‌گردد می‌بیند صاحب خانه اجاره‌اش را از ۲۰۰ تومان به ۴۰۰۰ تومان افزایش داده و قانون جمهوری اسلامی هم “جانب صاحب خانه سرمایه‌دار را می‌گیرد و جل و پلاس او را به خیابان می‌ریزد و...” ساکت نخواهند نشست!

نمونه گویای مقاومت و مبارزه مردم را در روز جمعه چهاردهم خردادماه در شهر اصفهان دیدیم.

مردم ایران به درستی تشخیص داده‌اند که شورای نگهبان یکی از اهرم‌های اصلی ارتجاع برای سد کردن راه انقلاب بوده و هست آخرین نمونه آن را در “انتخابات” اخیر که نام “انتخابات” بر آن نهاده شد، مشاهده کردند. از همین رو به شدت به مخالفت و مبارزه با آن برخاستند. شعار “مرگ بر شورای نگهبان” چنان همه‌جا گیر شده که بالاترین مقام جمهوری اسلامی مجبور شد به حمایت از اعضای شورا برخیزد و به آن‌ها دل‌داری و به مخالفان هشدار بدهد. در همین مورد آیت الله طاهری امام جمعه اصفهان طی مصاحبه‌ای با اطلاعات می‌گوید:

“من قبل از آنکه امام عزیز راجع به شورای نگهبان این هشدار را بدهند بقیه در صفحه ۱۱

”همین الان...“

بقیه اؤ صفحه ۱۰

در نماز جمعه اصفهان علاوه بر این که در خطبه مردم را توجیه کردم... یک اطلاعیه سه سطره هم بین نماز جمعه خوانده شد که از گوشه و کنار شنیده می‌شود افرادی دانسته یا ندانسته به مقامات صالحه کشور و شورای نگهبان که تعیین شده خود امام و مجلس شورای اسلامی هستند توهین می‌کنند... امیدوارم که دیگر ازین کارها نشود...“

این اظهارات نشان می‌دهد که ”توهین“ منحصر به اعضای شورای نگهبان نمانده بلکه دیگر ”مقامات صالح“ کشور هم به حق مورد خشم مردم قرار گرفته‌اند و مردم آرزوی مرگشان را کرده‌اند.

آقای طاهری که در همان روز جمعه به تهران پرواز می‌کند اظهار می‌دارد:

”بعد شنیدم... اجتماعی شده است که ما می‌خواهیم بفهمیم چرا انتخابات مردم اصفهان باطل شده است. حدود ۴۰ نفر به گلستان شهدا رفته بودند و در آنجا کنار قبر شهدا عزاداری کرده بودند و به در منزل من آمده بودند و حدود ۵ ساعت در آنجا بودند. دو نفر نمانده من رفتند، صحبت کردند، نتیجه‌ای نبخشید، به من تلفن کردند و من گفتم شما متفرق شوید من خدمت امام عزیز می‌روم و نگرانی شما را منتقل می‌کنم.“

مردم مبارز اصفهان که حاضر به تمکین در برابر خودسری‌های شورای نگهبان و پذیرفتن ابطال آراء خود نبوده‌اند، نخست بر مزار شهیدانی که به خاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی جان باخته‌اند می‌روند و با آنها تجدید پیمان می‌کنند و نشان می‌دهند که اگر رهبران جمهوری اسلامی فراموش کرده‌اند که چرا هزاران نفر از مردم میهن ما به شهادت رسیده‌اند، مردم ”جان به لب رسیده“ دلیل شهادت آن‌ها را فراموش نکرده‌اند و نخواهند گذاشت خون و آرمان این شهدا پایمال ”خان‌ها، سرمایه‌داران، فاسدان و زورگویان“ و حامیان آن‌ها شود و امروز هم مثل روزهای اول انقلاب ”موضع‌گیری‌های مردم در شهرها و کوزچه‌ها و خیابان‌ها روشن است.“

مردم بدون توجه به سخنان دو نفر نماینده آیت‌الله طاهری به تظاهرات خود ادامه می‌دهند. روز

بعد هم تظاهرات با ابعادی بسیار وسیع‌تر ادامه می‌یابد به طوری که بنا به گفته آیت‌الله طاهری:

”فردا“ روز شنبه ”نزدیک ظهر بود که حجت‌الاسلام انصاری از بیت امام تلفن کردند و گفتند که امام فرمودند شما یک اطلاعیه بدهید که مردم اصفهان متفرق بشوند و اگر با اطلاعیه هم کار انجام نمی‌گیرد شما خودتان به اصفهان بروید.“

دیگر صحبت از ”افرادی که در گوشه و کنار“ به ”مقامات صالحه و شورای نگهبان“ توهین کنند نیست، رقم چند صد نفر هم ذکر نمی‌شود، بلکه صحبت از ”مردم اصفهان“ است. شهر به خروش آمده، دامنه تظاهرات بالا گرفته پیم آن می‌رود که مردم عاصی و جان به لب آمده اصفهان سر شورش بردارند. خبرهای رسیده به دفتر بالاترین مقام جمهوری اسلامی نگران‌کننده است. آیت‌الله طاهری به مردم اصفهان قول داده که در ملاقات با وی، اعتراضات آن‌ها را مطرح سازد. ولی به زعم او حالا وقت ملاقات نیست. جاکمیت جمهوری اسلامی پرروی بشکه باروت نشسته است. چه بسا که یک جرعه کار را به جاهای پارک بکشد.

آقای طاهری به گفته خود چنین ادامه می‌دهد:

”ایشان رفتند و برگشتند و گفتند: امام می‌فرمایند شما الان این کار نکنید. یا اطلاعیه بدهید و اگر اطلاعیه کافی نیست خودتان به اصفهان بروید. بعد بیایید اینجا.“

ملاقات در گرو آرامش شهر است. آیت‌الله طاهری اطلاعیه‌ای می‌دهد که از رادیو خوانده می‌شود ”جمعیت زیادی“ که در منزل ایشان رسیده بودند متفرق می‌شوند.

خیمه شب‌بازی انتصابات که با آن افتضاحات به نام انتخابات در جمهوری اسلامی به روی صحنه آمد و با رأی منفی مردم روبرو شد، صرف نبرد طبقاتی را در میهن ما بیش از پیش مشخص ساخت و معلوم شد که خیمه شب‌بازان پشت پرده عروسک‌های روی صحنه‌شان در یک طرف و ”امت همیشه پایین صحنه“ در یک طرف دیگر قرار دارند. پایینی‌ها علیه بالای‌ها تظاهرات می‌کنند و از جمله شعار مرگ بر شورای نگهبان می‌دهند، بالای‌ها هم در حالی که دندان قروچه می‌روند می‌خواهند با مخلوطی از تحییب و تهدید مردم را سر به راه نگاه دارند و نظام سرمایه‌داری وابسته را دوباره به آنها تحمیل کنند. نخست تعارف

می‌کنند که ”مردم محروم و مستضعف... ولی نعمت ما هستند.“ (طاهری از قول مقام بالاتر) و در عین حال چماق تهدید را هم بگردسرسر به گردش در می‌آورد که ”من الان توصیه می‌کنم به همه مردم ایران و من جمله مردم اصفهان که مواظب باشید خدای نخواستہ اعمال گذشته شما بر یاد نرود. خدای نخواستہ با ایک عمل ناشناخته و بدون دقت یا مغرضانه یا ناآگاهی عمل خودشان را باطل نکنند و از پین نبرند.“

کدام عمل را؟
”... که به جبهه می‌روند. شهید می‌دهند و طلاهای خودشان را پشت جبهه می‌دهند و نان شب خودشان را از شکم زن و بچه‌هایشان باز می‌گیرند و به پشت جبهه می‌فرستند.“

این مردم تا زمانی که جان بدهند، نان بدهند، طلا بدهند ”ولی نعمت“ هستند ولی اگر ”خدای ناخواستہ“ بانک اعتراضشان علیه نظام سرمایه‌داری وابسته و بزرگ مالکی و حامیان آن و زورگویی‌ها و خیانت‌هایشان بلند شد ”مغرض و ناآگاهند“ و در موارد دیگر ”جاسوس“ و ”ملحد“ سروکارشان با حاکم شرع زندان اوین خواهد افتاد که می‌گوید:

”قبل از انقلاب و در اوایل پیروزی انقلاب مسئولین فکر نمی‌کردند که اصلاً اینقدر نیاز به زندان داشته باشیم.“

آن هم زندانی که هیچ‌گونه ضابطه و قانونی بر آن حکمفرما نیست، مگر ”قانون“ خودسری، بغض، کینه، جهل، تعصب و توحش، و حاکم شرع و همقطاران‌ش، هر جور که هوس کردند ”به تناسب موقعیت مجرم“ یا ”زمان و مکان ارتکاب (جرم)“ ”مجازات تعیین می‌کنند! (کیهان ۱۲)

خرداد گفتگو با حجت‌الاسلام حسینعلی نیری حاکم شرع دادگاه اوین)

حزب توده ایران در پرتو جهان بینی علمی خود و با تکیه بر تجربه سیاسی خویش با روشن بینی شکست انگیزی آنچه را که امروز مردم ایران شاهد آن هستند و به چشم خود می‌بینند مدت‌ها قبل با دقت ریاضی پیش بینی و اعلام کرده است: از جمله در پرتو و پاسخ ۶ شهریور ۱۳۶۱ چنین می‌خوانیم:

”به نظر ما انقلاب ایران رشد زیادی پیدا کرده است. با هیچ شعار فریبنده‌ای، با هیچ گونه اعمال فشار در نتیجه تسلط نیروهای راست، این نیرو خاموش نخواهد شد. توده‌های محروم و زحمتکش کشور ما که قیام کردند و رژیم استبدادی شاه را سرنگون ساختند، تا به عدالت اجتماعی برسند، از پا نخواهند ایستاد... یکی از سدهایی که در مقابل این پیشرفت قرار دارد، عبارت است از گروه معینی یا گرایش معینی در بخشی از شورای نگهبان... در حاکمیت سیاسی کشور، در حاکمیت اقتصادی جامعه، و در یک کلمه، در مجموعه حاکمیت است. در آن جاست که بایستی سدهای اساسی را پیدا کرد و در سر راه پیشرفت انقلاب برداشت.“

امروز مردم ایران می‌بینند که تا چه حد حق با حزب توده ایران بود. حزب توده ایران درست به خاطر همین روشن بینی و دقت نظر و رهنمودهای دقیق طبقاتی و مبارزه آشتی‌ناپذیر برای نیل به اهداف انقلاب و زحمتکشان بود که مورد کینه و پیکرد وحشیانه عمال ارتجاع قرار گرفت. ما امروز هم باز با ایقان و ایمان بی‌تردید اعلام می‌داریم: چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند.

ضرب و جرح اعتصابیون

مبارزه می‌کنند. پلیس از نیروهای سواره پلیس در یورش خود به کارگران استفاده کرد. حتی رییس سندیکا معدنچیان انگلیسی بر اثر اصابت باتوم پلیس از ناحیه سر مجروح شد و به بیمارستان انتقال یافت. چندی پیش نیز آرتور اسکارگیل، رییس سندیکا از سوی پلیس برای مدتی بازداشت شد.

نیروهای پلیس دولت محافظه کار انگلستان برای چندمین بار به کارگران اعتصابی معادن این کشور یورش بردند و چندین تن از کارگران اعتصابی را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

کارگران معادن انگلستان اکنون در ۱۵-مین هفته اعتصاب خود به سر می‌برند و علیه بسته شدن معادن و اخراج گروهی کارگران این رشته

در هفته‌ای که گذشت:

رژیم کشتار هموطنان کرد را گسترش می‌دهد

مردم محروم و ستم‌دیده کردستان در سوگ بی‌گناهی که بر اثر بمباران‌های جنایتکارانه عراق کشته شده‌اند، به سر می‌برند که از سوی نیروهای نظامی جمهوری اسلامی نیز به بهانه "پاکسازی" منطبقه مورد هجوم قرار گرفتند. مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی در همان صفحاتی که خیر بمباران یانه را چاپ کرده‌اند، وقیحانه به شرح به اصطلاح قتوحات "لشکریان اسلام" در کشتار مردم کرد پرداخته‌اند. بر طبق این اخبار بیش از ۷۰ روستای مرزی کردستان در مناطق مرزی "سرشیوا" و "شیلر" از سوی سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی مورد هجوم قرار گرفته‌اند و در این حملات نزدیک به ۴۰۰ نفر از هموطنان کرد ما کشته شده‌اند.

لشکرکشی جدید به کردستان و کشتار مردم بی‌گناه که هم‌زمان با بمباران شهر یانه انجام می‌گیرد، عیار واقعی اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های دروغین مسئولین و نهادهای ریز و درشت جمهوری اسلامی را در تقبیح کشتار مردم یانه برملا می‌کند و آشکار می‌سازد که ادعاهای "کرده‌خواهی" سردمداران رژیم دروغ بی‌شماره‌ای بیش نیست.

تاراج منابع نفت به خاطر "صدور انقلاب اسلامی"

محمد غرضی وزیر نفت جمهوری اسلامی، در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، به اصطلاح سیاست‌های فروش نفت رژیم را تشریح کرد. توضیحات غرضی آیین تمام نمای عملکرد خائنانه جمهوری اسلامی در تاراج ذخایر نفتی کشور و ادامه سیاست ضد ملی رژیم ستم‌شاهی در این زمینه است. او گفت:

"به هر حال تولید نفت ایران در بهمن ماه سال ۶۰ به سطح پایین رسید و ما مجبور شدیم در مقابله با بازار نفت، قیمت نفت را تقلیل دهیم. امروز مردم ما در حال جنگیدن هستند و برای این منظور باید نفت فروخت تا بتوان جنگید. ما قیمت نفت را ۲ دلار پایین آوردیم... و بحمدالله بجای ۱۸ میلیارد دلار خیلی بیشتر هم نفت فروختیم و از این بابت خزانه دولت پر شد."

وزیر نفت جمهوری اسلامی در حالی این سخنان را به زبان می‌آورد و به فروش نفت به قیمتی ارزان‌تر از قیمت‌های تعیین شده از سوی اوپک اعتراف می‌کند که جمهوری اسلامی تنها در شعار و به دروغ همواره خود را یکنانه مدافع افزایش قیمت نفت در اوپک وانمود کرده است.

غرضی در ادامه سخنان خود اضافه کرد:

"ما برای اینکه از این منابع عظیم خدادادی خوب حراست کنیم، می‌بایست همه

سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی ("صدور انقلاب اسلامی" ۱) را با نفت انجام دهیم. ما نباید نفت بفروشیم و با پول آن سیب بخریم و بخوریم که در آن صورت فعل حرام انجام داده ایم."

از نظر رژیم جمهوری اسلامی و وزیر نفتش، خوردن سیب با پول نفت "فعل حرام" است. اما تهیه توپ و تانک و هواپیما و سایر ادوات جنگی که در میدان‌های جنگ بپیورده و امپریالیسم پسند به خاکستر و دود تبدیل می‌شوند و با آن‌ها نفت به تاراج رفته تهیه می‌شوند، نه تنها "فعل حرام" نیست، بلکه "سرمایه‌گذاری زیربنایی" (۱) است که از نظر "شرعی" جهت "صدور اسلام" لازم است.

اما از نظر مردم ایران این "فعل" جمهوری اسلامی تنها یک نام داد:

خیانت به زحمتکشان و نسل‌های آینده کشور!

وابستگی اقتصادی "ایران اسلامی" در راستای "وابستگی" ایران شاهنشاهی

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی احیاء وابستگی به امپریالیسم را هر روز شتاب بیشتری می‌بخشند. به دنبال سفر یک هیأت از کارشناسان ارشد وزارت نفت، امور خارجه و بازرگانی جمهوری اسلامی به سرپرستی عباس هنردوست، معاون امور بین‌المللی و بازرگانی وزارت نفت به آلمان فدرال، اعلام شد که حجم مبادلات بازرگانی ایران و امپریالیسم آلمان در سال ۱۹۸۴ گسترش خواهد یافت. در واقع اکثریت مطلق این افزایش مبادلات، مربوط به واردات ایران از آلمان فدرال خواهد بود. بررسی ارزش صادرات امپریالیسم آلمان که در مطبوعات مجاز رژیم نیز چاپ شده بیانگر این موضوع است.

در سال ۱۹۷۸ (سال قبل از پیروزی انقلاب) ارزش واردات ایران از آلمان فدرال بالغ بر ۴/۲ میلیارد مارک بود. در سال ۱۹۸۲ این مقدار کاهش یافت و به ۱/۷ میلیارد مارک رسید. در سال ۱۹۸۲ میزان واردات ایران از امپریالیسم آلمان به ۷/۷ میلیارد مارک رسید.

سفیر ایتالیا نیز در مقاله‌ای (اطلاعات ۶۲/۲/۲۳) تعداد شرکت‌های ایتالیایی در ایران را "قریب به ۵۰" شرکت و تعداد کارشناسان ایتالیایی در ایران را ۱۵۰۰ نفر اعلام کرد. وی با اشاره به "علاقه روبه افزایش محافل اقتصادی ایتالیایی نسبت به حضور در بازار پراهمیت ایران"، تدارک هرچه بیشتر امپریالیست‌های ایتالیایی را جهت چپاول هرچه بیشتر کشور ما آشکار ساخت. در این میان مسئولین خائن جمهوری اسلامی بیش از پیش نقش دلال این چپاول زاپه عهده می‌گیرند و صفحات روزنامه‌های مجاز کشور را

بیش از پیش به تریبون نمایندگان انصارات امپریالیستی تبدیل کرده‌اند.

هندوانه؛ عامل توطئه سیاسی

گرانی و افزایش نرخ کالاها در جمهوری اسلامی روز به روز سرعت بیشتری می‌گیرد. روزی نیست که مردم ستم‌دیده ما با کمبود یکی از مایحتاج زندگی خود که تنها با قیمت‌های سرسام‌آوری قابل حصول است، روبرو نشوند. بر کسی پوشیده نیست که عامل اصلی این وضع آزار پایان ناپذیر چپاولگران بازار و بورژوازی تجاری است که در حاکمیت جمهوری اسلامی بر جایگاه و موقعیت بسیار محکمی تکیه زده‌اند و بر شبکه توزیع کشور تسلط کامل دارند.

طی چند هفته گذشته کمبود و گرانی سرسام‌آور هندوانه و سیب زمینی میان مردم و در محافل گوناگون کشور مطرح بود. به طوری که این موضوع در مطبوعات مجاز کشور و سخنرانی‌های مسئولین رژیم نیز انعکاس داشت.

بعنوان سرپرست ستاد بسیج اقتصادی کشور، طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعتراف کرد، سیب زمینی در کشور کمیاب شده و قیمت آن در بازار به کیلویی ۲۰ تومان رسیده است. همچنین هندوانه که یکی از فراوان‌ترین محصولات کشور است، در سطح شهر تهران پیدا نمی‌شود و اگر هم پیدا شود، با نرخی بسیار بالاست. این افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که سردمداران رژیم عوام‌فریبانه به بهانه مهار تورم از افزایش حقوق کارگران و سایر حقوق بگیران امتناع می‌کنند.

جالب توجه آنست که سرپرست بسیج اقتصادی برای حل این کمبودها و گرانی‌ها به راه حل‌های شاهنشاهی متوسل می‌شود و پیشنهادات "هویدا" بی‌ارائه می‌دهد:

"امت همیشه در صحنه ایران می‌توانند ما را یاری کنند و چنانچه مردم ما فقط ۲ یا ۲ روز هندوانه نخرند، مطمئناً وضع بازار به حالت عادی بر خواهد گشت."

تکنه جالب توجه‌تر، طرح این موضوع در سخنانی است که نخست وزیر در سپینار ستاد انقلاب فرهنگی ایراد کرد. او گفت:

"زمانی که این همه مسائل و مشکلات از قبیل جنگ، مهاجر جنگی، حصر اقتصادی و غیره در جامعه داریم، چگونه است که مسئله کمبود هندوانه و سیب زمینی تبدیل به مسائل سیاسی شده و منزلتی در ردیف جنگ به خود می‌گیرد؟ چرا دانشگاه نباید در این زمینه‌ها که حقیقتاً حرکت‌ها و توطئه‌های سیاسی موزیانه در جامعه است، حساسیت داشته باشند" (اطلاعات ۲۳ خرداد).

این گفته‌ها از یک سوا اعتراف ضمنی و ناخواسته نخست وزیر به حدت مشکلات اقتصادی مردم و اعتراضات گسترده آنان به سیاست‌های ضد مردمی و سرمایه‌پسندانه سردمداران رژیم است. مردمی که حاضر نیستند جان و مال و هستی خود را فدای نژاد چون آمیز و عظمت طلبانه "صدور انقلاب" بقیه در صفحه ۱۶

طرح انقلابی وزارت کار

همه می‌خواهم که دیگر نگذارند مردم این همه بدبختی بکشند و هرچه سریع‌تر طرح‌های انقلابی را پیدا کنند و این مسئله را که جوانان با سنین پایین‌تری بتوانند کارکنند راه به شکل وسیعی به اجرا واقعی برسانید" (کیهان-۶۲/۲/۱۷).

طرح‌های انقلابی!! وزارت کار

تبصره ماده ۲۱ متن پیشنهادی قانون جدید کار:

"انضاد قرارداد کارآموزی با نوجوانان که سن آنها حداقل ۱۲ سال تمام است با اذن ولی یا قیم او بلامانع است."

ماده ۹۵- "حداقل سن کارگران در بخش کشاورزی با اذن ولی یا قیم آنها ۱۲ سال تمام می‌باشد."

با خواندن نامه این زن زحمتکش معنی اذن ولی (موافقت پدر) نیز در جمهوری اسلامی روشن می‌شود.

"من یک زن کارگر هستم با ۲ پسر و ۲ دختر، شوهرم کارگر است دوشادوش شوهرم مشغول کار می‌باشیم با امکانات کاملاً ناچیز (کرایه دو اتاق یکی از مشکلاتمان میباشد) به هر حال چند روز پیش شوهرم گفت که با این مخارج سنگین نمی‌توان زندگی کرده باید پسر بزرگمان که سوم راهنمایی است راه سر کار بفرستیم من اعتراض کردم و گفتم که اگر همه ما از گرسنگی بمیریم او را باید درش را بخواند و مثل ما بدبخت نشود و من نمی‌گذارم که بچه‌هایمان مثل خودمان به دست این زالوها (سرمایه‌داران) بیافتند و خوششان را بسکند این‌ها باید دروشان را بخوانند.

با این وجود هنوز شوهرم تأکید دارد که پسرمان را به سرکار بفرستد. من از همه مسئولین تقاضا دلم به عنوان یک مادر بدبخت از

۳۱مین اجلاس دفتر فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری

۲۱- مین اجلاس دفتر اجرایی فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری از ۹ تا ۱۱ آوریل در پاریس تشکیل شد. دستور کار اجلاس عمدتاً مربوط به نحوه اجرای رهنمودهای کنفرانس هاوانا و به قرار زیر بود:

- ۱- اتحاد عمل اتحادیه‌های کارگری؛ گرایشات و چشم‌اندازهای جدید؛
- ۲- مسائل بی‌کاری جوانان، آموزش عمومی و فنی و حرفه‌ای و نقش اتحادیه‌های کارگری.

پیش از گشایش رسمی اجلاس، چهار گروه آبی منطقه‌ای، بین رهبران اتحادیه‌های کارگری اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین انجام گرفت.

این اجلاس قطعنامه‌های متعددی در مورد مسائل مبرم کارگران، صلح جهانی و همبستگی بین‌المللی به تصویب رساند. از جمله می‌توان از قطعنامه پیرامون قطع جنگ ایران و عراق، همبستگی با کارگران و مردم نیکاراگوئه، همبستگی با خلق‌های لبنان، سوریه و فلسطین، همبستگی با مبارزات کارگران اروپای غربی، نام برد.

در قطعنامه مربوط به جنگ ایران و عراق آمده است:

۱- اجرای فوری آتش‌بس و ترک هرگونه عملیات نظامی؛

۲- آغاز مذاکرات مستقیم جهت یافتن راه حل صلح‌آمیز بر این محاصسه، به منظور عقیم‌گذاشتن مآذروهای امپریالیسم و اسراییل.

مطابق این روح، دفتر فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری تمام کارگران و اتحادیه‌های کارگری جهان و تمام نیروهای راه صلح و آزادی را به طور مبرم فرامی‌خواند تا با تمام نیرو جهت خاتمه فوری این جنگ و استقرار صلح در این منطقه تلاش کنند.

از گوشه و کنار ایران...

می‌دهند. به عنوان نمونه، چندی پیش خانمی که یک چمدان خالی را از خانه یکی از اقوامش به خانه‌شان می‌برد، با ایست گشت سپاه روبرو شد و بعد از تفتیش چمدان خالی و کیف و همه وسایلش، ساعت‌ها به سینه جیم‌های آنان در ماشین سپاه جواب گفت. با وجود آنکه هیچ نکته تاریکی در پاسخ‌های این خانم وجود نداشت، پاسداران همیشه در صحنه "او را رها نکردند و او را به یکی از "خانه‌های سپاه" کشاندند و با تهدید و توهین و مشت و لگد به "اعتراف" کردن فراخواندند... "خواهران" مستقردر "خانه" پس از بازجویی بدنی کامل از "متهم به خجل چمدان خالی" خواستند کفش‌هایش را از پا درآورد آن‌ها پس از تنگامی به پایهای او می‌گزیند "تو معلوم است خیلی راه رفته‌ای، چون پاهایت طاول زده. بگو از کجا می‌آیی و چرا اینقدر راه رفته‌ای؟" طی بازجویی بدنی کامل از "متهم به راه رفتن زیاد" حتی بند ساعت و داخل ساعت او نیز مورد بررسی قرار گرفت. وی در تمام مدت با تلفنگ آماده نه شلیکی تهدید می‌شد. پاسداران از او می‌پرسیدند: "اصلاً تو چرا چمدان خالی در شهر حمل می‌کنی؟ مگر اینجا فرودگاه است!"

سرکوب کارگران مبارز به شیوه حزب الهی

در یکی از کارخانه‌های نجف‌آباد اصفهان، ارتجاع شیوه تازه‌ای برای سرکوب مبارزات کارگران ابداع کرده است که از قضا شبیه شیوه‌هایی است که فاشیست‌های آلمان و ایتالیا در نخستین سال‌های قدرت گرفتن در مبارزه با مخالفین به کار می‌بردند. کارگران مبارز کارخانه شناسایی می‌شوند و شب هنگام در کوچه پسکوچه‌های شهر به وسیله حزب‌اللهی‌های ناشناس مضروب و مجروح می‌شوند. تاکنون چند مورد از این حملات اتفاق افتاده است.

بودجه عمرانی در خدمت جنگ

در نخستین ماه‌های امسال، دولت طی بخشنامه محرمانه‌ای ۲۰٪ از بودجه عمرانی مصوبه سال ۶۲ را بقیه در صفحه ۷

ترک خدمت نظامیان، شکل ویژه‌ای از مبارزه در راه صلح

به دنبال نافرجام ماندن کوشش‌های اخیر جمهوری اسلامی در تهاجم به خاک عراق و زمزمه آمادگی برای حمله و کشتاری تازه، ترک خدمت سربازان وظیفه، و درجه‌داران به نحو محسوسی افزایش یافته است. بخش‌نامه‌های متعدد حاوی تهدید به مجازات‌های شدید نظامیان فراری از جنگ صادر شده است. مقامات رژیم ناگزیر از آنند که تعداد دژبان‌ها را در شهرهای پشت جبهه افزایش دهند. برای نمونه در شهر اهواز تعداد گشت‌های دژبانی آنقدر زیاد است که در طول سال‌های جنگ سابقه نداشته است.

اعتراض به تقلب در انتخابات

در حوزه انتخاباتی مسجدسجاد، واقع در خیابان جمهوری اسلامی تهران، در اعتراض به تقلب در انتخابات درگیری گسترده‌ای به وقوع پیوست. این درگیری چنان شدید بود که پاسداران برای حفظ نظم ناگزیر از دخالت شدند.

● در حوزه انتخاباتی زینبیه اهواز که محل اعمال نفوذ انجمن اسلامی بازار اهواز بوده است در اعتراض به تقلب در انتخابات زدوخوردهای شدیدی صورت گرفته است. پاسداران با معترضین درگیری می‌شوند و با تیراندازی هوایی به اعتراضات خاتمه می‌دهند.

● در حوزه انتخاباتی مسجد باقرخان بهبهان که محله مسکونی نایبده قبلی بهبهان در مجلس بوده است، بازم به خاطر اعتراض به تقلب در انتخابات درگیری و تیراندازی هوایی پیش می‌آید. پاسداران عده‌ای از معترضین را دستگیر می‌کنند که در میان آنان یک خانم ۴۵ ساله خانه‌دار هم به چشم می‌خورد.

بازداشت به اتهام حمل "چمدان خالی"!

شهرهای ایران، هم‌چنان قرق‌گاه گشت‌های ریز و درشت سپاه و کمیته‌های جمهوری اسلامی است. آن‌ها با دیدن کوچک‌ترین حرکت غیرعادی، مردم کوچه و بازار را بازداشت می‌کنند و در "خانه‌های خود" مورد بازجویی و هتاکی قرار

جنگ ایران و عراق ، تأمین ...

بقیه از صفحه ۹

خواندند (موسوی اردبیلی - ۲ مرداد ۶۱) و جنگ را با هدف تشکیل "حکومت اسلامی" در عراق (روزنامه ها - ۲۱ تیر ۶۱) و تشکیل "ارتش بزرگ جهانی اسلام" (محسن رضایی - اطلاعات - ۱۷ شهریور ۶۲) ادامه دادند.

این سیاست چون آمیز شوینستی که کاملاً قانونمندان با اهداف جنگ افروزان امپریالیسم آمریکا همسو بود، در عین حال بر محاسبات روشن طبقاتی ارتجاع ایران متکی بود.

مدافعان نظام پورژوا - ملاکی در حاکمیت ایران، در هراس از اوچگیری مبارزه گسترده و ژرفنده طبقاتی در جستجوی راه حل مناسبی برای مهار جنبش مدافع عدالت اجتماعی و سرکوب پیش آهنکان انقلابی جنبش بودند. آنان که تجربه موفق توقف اصلاحات ارضی دموکراتیک به بهانه شرایط ناشی از جنگ را پشت سر داشتند، انتظار داشتند که با ادامه توسعه طلبانه جنگ، روند خیانت به آرمان های انقلاب را که با تعصیب دم افزون، هرچه بیشتر با منافع طبقاتی سرمایه داران و زمین داران بزرگ در تضاد قرار می گرفت، به پایان برسانند.

شوینیس عظمت طلبانه اسلامی مناسب ترین پایه سیاسی - ایدئولوژیک را برای این مقاصد معین طبقاتی فراهم می کرد. به ویژه که بسیاری از مدافعان "عدالت اسلامی" در حاکمیت جمهوری اسلامی آن چنان گرایش های شوینیستی عمیقی داشتند که به سادگی می توانستند به دنبال این سراب و به بهانه ضرورت حفظ وحدت در شرایط ناشی از جنگ دست از مبارزه در راه تأمین "عدالت اجتماعی" بردارند. ناسیونالیسم ارتجاعی این ابزار ایدئولوژیک آزموده پورژوایی، می توانست بهترین زمینه برای موج تبلیغات گمراه کننده ای باشد که می بایست انرژی انقلابی توده ها را که پیش از پیش متوجه تأمین عدالت اجتماعی می شد، به

سوی دشمنی موهم در آن سوی مرزها منحرف کند. چنین بود که ضرورت حفظ "وحدت ملی" که اندیشه بنیادی همه اشکال ناسیونالیسم ارتجاعی است، جامه "وحدت امت اسلامی" پوشید تا به صورت مانع تبلیغاتی - سیاسی عمده ای در راه تعمیق مبارزه ضد فئودالی - ضد سرمایه داری توده ها درآید.

عسکراولادی سخنگوی سرشناس ارتجاع ایران این واقیعت را آشکارا پرزبان می آورد: "تنها اشکال ما اینست که مبادا به محض آن که جنگ تمام شد... عهده های به فکر رفاه باشند. نکند فکر کنید که جنگ به پایان رسیده، خیر چونکه... ما برای استقرار نظام اسلامی در جهان تلاش می کنیم" (صبح آزادگان ۱۹ خرداد ۶۲).

به دلایل بسیار و به ویژه به خاطر پراکندگی نیروهای انقلابی، جریان رویدادها در انقلاب ایران در این راستا پیش رفت. کمتر از هفت ماه پس از آغاز مرحله توسعه طلبانه جنگ، چرخش به راست در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تثبیت شد. یورش سبانه به حزب توده ایران، از جمله به این دلیل صورت گرفت که "برنامه های حزب توده ایران برای جنگ خطرانی در برداشته است" (هاشمی رفسنجانی - نماز جمعه اردیبهشت ۶۲). یکی از اهداف اعدام افسران میهن دوست توده ای که بسیاری از آنان فرماندهان و قهرمانان جاودان جنگ مقاومت و آزاد سازی میهن انقلابی به شمار می روند، درهم شکستن روحیه مقاومت در برابر ادامه توسعه طلبانه جنگ در میان نظامیان میهن دوست بود.

روی گردانی از اجرای برنامه انقلاب و گشودن میدان برای غارتگری تمام عیار کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان ایران، جمهوری اسلامی را به سرعت در بحران عمیق و گسترده اجتماعی - اقتصادی و سیاسی فرو برد. امروز شکست قطعی سیاست ادامه توسعه طلبانه جنگ، برای روی-

برتا فتگان از خلق، خطر ورشکستگی قطعی و همه جانبه سیاسی را دربر دارد. لجاجت چون آمیز سران جمهوری اسلامی در ادامه جنگ که از نظر نظامی به طور قطع به بن بست رسیده است، از احساس این خطر سرچشمه می گیرد.

جنگ، اهرمی برای بازسازی وابستگی اقتصادی و تسلیحاتی و همسویی سیاسی جمهوری اسلامی با امپریالیسم آمریکا

عدول از انجام تحولات بنیادی، یورش لجام گسیخته به حزب توده ایران، و تیرگی مصنوعی مناسبات با اتحاد شوروی، همسایه بزرگ و دوست انقلاب ایران، از جمله از طریق شرکت فعال در جنگ صلیبی اعلام شده توسط ریگان علیه کشورهای سوسیالیستی، مقدمه بهبود روابط جمهوری اسلامی ایران و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بود. سران کشورهای صنعتی امپریالیستی در کنفرانس ویلیامزبورگ چرخش به راست همه جانبه در سیاست های جمهوری اسلامی را تهنیت گفتند و خواهان تقویت گرایش های نوین در سیاست جمهوری اسلامی شدند. از آن پس سیل کالاها و سلاح های امپریالیستی، به

جمهوری اسلامی سرازیر شد. نوسازی وابستگی اقتصادی و تسلیحاتی شتاب گرفت. و همسویی و همسانی با سیاست های امپریالیسم توسعه یافت.

نخستین شکست هادر جمله به خاک عراق، به سرعت سران جمهوری اسلامی را به این نتیجه رساند که برای پیروزی در جنگ، جلب پشتیبانی هرچه بیشتر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ضروری است. از این پس سیاست جنگی سران جمهوری اسلامی به اهرم نیرومندی برای تسریع روند نوسازی وابستگی اقتصادی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی به امپریالیسم تبدیل شد.

گام نخست برای جلب حمایت همه جانبه امپریالیسم به حراج

گذاردن بازار داخلی ایران بود. در سال ۶۲، ۸۰٪ از واردات ۲۲ میلیارد دلاری جمهوری اسلامی (به جز واردات اسلحه) از کشورهای امپریالیستی تأمین شد. ارزش لازم برای این واردات کلان از فروش نفت ارزان تأمین می شد.

گام بعدی حرکت در راستای قرار گرفتن در صف کشورهای هم پیمان و حکومت های دست نشانده امپریالیسم بود.

در شهریور ماه ۶۲، نخست وزیر خواهان عضویت جمهوری اسلامی در شورای همکاری کشورهای خلیج فارس شد:

"... اگر هدف اینست که ملت های تمام کشورهای حوزه خلیج فارس با هم در حالت مسالمت آمیز زندگی کنند، پس باید این طرح را توسعه داد و کامل نمود و این طرح کامل نمی شود مگر اینکه جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم ترین و قوی ترین کشور منطقه در آن مشارکت داشته باشد" (اطلاعات - ۱۴ شهریور ۶۲).

اندکی بعد پیمان عمران منطقه ای میان سه کشور ایران - پاکستان - ترکیه، به ابتکار جمهوری اسلامی بازسازی شد و مناسبات اقتصادی میان جمهوری اسلامی و این دو کشور تا مغز استخوان وابسته به امپریالیسم آمریکا، به مراتب از دوران پیش از انقلاب نیز فراتر رفت. سران جمهوری اسلامی اهداف استراتژیک خود از همکاری میان سه کشور را چنین توضیح می دادند:

"اگر صدام را به حال خودش واگذاریم... هم کشورهای نفت خیز عرب را با خود به ورطه سقوط خواهد کشانید و هم مجری اهداف شوروی خواهد بود. در سایه حل مسئله عراق، مسئله افغانستان نیز قابل حل است. اگر این مسئله حل نشود در افغانستان هم مشکلات قابل حل نیستند... هم اکنون دو مشکل مهم منطقه افغانستان و حزب بعث عراق است... اگر این دو مشکل حل شود کشورهای عربی و ما و شما و پاکستان می توانیم همکاری های سازنده تری برای منطقه داشته باشیم... و همچنین حسن دیگر آن اینست که اگر یک حکومت اسلامی در عراق به وجود بیاید، خطر کمونیسم از منطقه دور خواهد

بقیه در صفحه ۱۵

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

جنگ ایران و عراق

بقیه از صفحه ۲۴

شد" (هاشمی رفسنجانی در دیدار با وزیر خارجه ترکیه - جمهوری اسلامی - ۲۰ اسفند ۶۲).

هدف سران جمهوری اسلامی اؤدر پیش گرفتن این معامله ننکنین سیاسی آن بود که نه تنها ارزش اقتصادی قارت نواستعماری بازار داخلی و نفت ایران، بلکه ارزش استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در جنگ صلیبی علیه اردوگاه سوسیالیسم را برای ایالات متحده تا آنجا بالا ببرند که ایالات متحده به طبع بهره مندی از این ارزش ها به حمایت همه جانبه آنان بپردازد.

این نیات بارها و بارها و چه بسا در جامه پرخاشگری های عوام قریبانه بر زبان سران جمهوری اسلامی جاری شد. رییس جمهور خطاب به دولت ریگان می گفت:

"قدرت های بزرگی که در شورای امنیت عضویت دارند، باید بتوانند بار دیگر حسن ظن ما را جلب کنند" (خامنه ای - اطلاعات - ۸ شهریور ۶۲).

ورییس مجلس تکرار می کرد: "اگر قرار باشد چیزی (روابط میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده) بهتر بشود آن کسی که سال ها بد کرده است، باید لااقل یک مدتی خوب بکند تا بتواند اعتماد ما را جلب کند" (جمهوری اسلامی - ۱۹ فروردین ۶۲).

آنچه سران جمهوری اسلامی "خوبی آمریکا در حق ایران" قلمداد می کنند، به اعتراف مکرر آنان قطع پشتیبانی از رژیم عراق و فروش سلاح های استراتژیک مورد نیاز به جمهوری اسلامی است. سلاح هایی که به ادعای رییس مجلس "از نان شب هم برای مردم لازم ترند" (اطلاعات - ۲۴ دی ۶۲).

امپریالیسم آمریکا همچنان خواستار ادامه جنگ فرسایشی است

سیاستمداران آمریکایی که در معاملات سیاسی با حکومت های بریده از خلق از مهارت و تجربه فراوانی برخوردارند، از همان آغاز برای تقویت دستگیری نوین سیاسی جمهوری اسلامی و در عین حال تضمین ادامه جنگ فرسایشی، در برابر معامله گری سران جمهوری اسلامی

سیاست تهدید و تحبیب، سیاست "جماق و حلوا" را در پیش گرفتند. چریان رویدادها حاکی از کلاه کشادیسیت که در این معامله ننکنین به سردلان سیاسی جمهوری اسلامی رفته است.

رهبران ایالات متحده در حالی که روابط اقتصادی و تسلیحاتی اردوگاه امپریالیسم با جمهوری اسلامی را تشویق می کردند، برای "اصلاح" مواضع جمهوری اسلامی به سود خویش از فشار سیاسی و نظامی استفاده می بردند. ایالات متحده در عین حال مناسبات مختلف با عراق را نیز حفظ کرد و به تناسب شرایط با چرخش های ملایم در سیاست خویش به سود این یا آن سوی درگیری، از یک سوی کوشید که از این مناسبات دوگانه به مغایه تهدیدی برای تسلیم هرچه بیشتر طرفین درگیری استفاده کند، و از سوی دیگر با تأیید و تشویق دوطرف درگیری، آتش جنگ فرسایشی را همچنان دامن می زد و دامنه آن را گسترش می داد.

سران جمهوری اسلامی نیز برای تقویت "جنبه های مثبت" در سیاست آمریکا به امتیاز دادن هرچه بیشتر روی آوردند، (که شرح آن گذشت). امیدواری بازاری صفتانه حاکمان جمهوری اسلامی به پیش برد این معامله گری ننکنین - چه بسا در نتیجه وعده و وعیدهای پس پرده و "زاهنمایی های" عوامل نشناخته امپریالیسم در میان شان - تا بدانجا بود که معاون وزیر خارجه ایران به صراحت می گفت:

"فکر می کنم خود آمریکایی ها هم از صدام ناامید شده باشند" (شیخ الاسلام - معاون سیاسی وزارت خارجه - کیهان - ۲۰ آبان ۶۲).

اما هنگامی که جمهوری اسلامی - از جمله با پرداخت نزدیک به یک میلیارد دلار قرامت و ۲/۶۶۷ میلیارد دلار وام و بهره و باج به بانک ها و انحصارات آمریکایی - به اندازه کافی دوشیده شد و ایالات متحده اطمینان یافت که سران جمهوری اسلامی در راستای بازسازی وابستگی و روی گردانی از خلق تا به آنجا پیش رفته اند که افزایش فشار به آنها منافع اقتصادی و استراتژیک امپریالیسم را تهدید نمی کند، آنگاه که روشن بود به قول روزنامه تایمز: "ایالات متحده از لغاظی های تهدید آمیز ایران به اندازه سال پیش نمی ترسد" (تایمز ۲۳ فوریه ۸۴)، مرحله نوین فشار سیاسی - نظامی به

جمهوری اسلامی آغاز گشت و چرخش ملایمی در سیاست آمریکا به سود پشتیبانی از عراق شکل گرفت (واشنگتن پست - ۱ ژانویه ۸۴). خلیج فارس اشغال نظامی شد و رزمناوهای آمریکایی به تجاوز نظامی آشکار به حق حاکمیت ملی ایران دست زدند.

در برابر این تجاوزگری آشکار امپریالیسم آمریکا سران جمهوری اسلامی سیاست کرنش خاصه آنه ترور و ویختن هر چه بیشتر به دامان امپریالیسم آمریکا را پیشه کردند. آنان در برابر اشغال نظامی خلیج فارس و تجاوز به مرزهای آبی میهن ما واکنشی کاملاً ملایم و انعطاف آمیز نشان دادند و در عوض اتحاد شوروی همسایه صلح دوست ما را به درگیری نظامی تهدید کردند، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را غیرقانونی اعلام کردند. نظامیان و فعالین توده ای را به جوخه اعدام سپردند و ستمگری سیاسی ارتجاعی پیش گفته را تشدید کردند، و سرانجام از پشتیبانی سیاسی و تبلیغاتی دولت آمریکا در مخالفت مزورانه با استفاده جناپتکارانه عراق از سلاح های شیمیایی در جنگ با ایران سود جستند تا مناسبات با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را بهبود بخشند:

"در روزهای اخیر در قضیه کاربرد بمب های شیمیایی می بینیم که آمریکایی ها در اعلام این مسئله جلو افتاده اند، وزارت خارجه آمریکا حرکت نسبتاً خوبی کرده است و بعد هم رسانه های جمعی ادامه دادند و برای اولین بار می بینیم که رسانه های آمریکا یک مقدار کمی واقعیت را دارند می گویند" (رفسنجانی - جمهوری اسلامی - ۱۹ فروردین ۶۲).

لحن موعظه گرانه، ستایش آمیز و دلجویانه سران جمهوری اسلامی نسبت به امپریالیسم ها آمریکا که روزی "دشمن اصلی" و "شیطان بزرگ" نامیده شده بود در این دوره نمونه و راست:

"دنیا تغییر کرده است و کارگزاران سیاست آمریکا... باید طرز تفکر و سیاست خود را تغییر دهند" (۲۲ بهمن ۶۲ - جراید).

"عیب کار سیاستمداران آمریکایی، همین اشتباهایی است که در محاسباتشان دارند. به آمریکا یک زورمند قوی و مجهز و مسلحی است، قهرمانی است، اما قهرمانی است که عقل ندارد" (خامنه ای - اطلاعات - ۱۵ بهمن ۶۲).

"خوب است سیاستمداران (آمریکایی) واقع بینانه تر نگاه کنند" (خامنه ای - نماز جمعه ۵ اسفند ۶۲).

در شرایطی که محتوای واقعی سیاست آمریکا در قبال جنگ خلیج فارس کاملاً از پرده برون افتاده بود و حتی مطبوعات امپریالیستی در بررسی این سیاست آشکارا به این نتیجه می رسیدند که:

"آمریکا مایل است بن بست نظامی ادامه پیدا کند" (گاردین - ۲۵ فوریه ۸۴).

مطبوعات رسمی جمهوری اسلامی جو انتظار نسبت به صدور عنایات قریب الوقوع ایالات متحده نسبت به جمهوری اسلامی را پرورش می دادند: "آیا مقامات واشنگتن قادرند به حقایق ملموس و محسوس منطقی در رابطه با انقلاب اسلامی بی ببرند و ظرافت های آن را درک کنند؟ آیا ضربات کاری بر بیکر سیاست خاورمیانه ای آمریکا به اندازه کافی برای واشنگتن هشدار دهنده بوده است که آن را به یک تجدید نظر کلی وادار کند؟" (جمهوری اسلامی - ۲۸ فروردین ۶۲).

در این گیرودار حلقه محاصره امپریالیسم و ارتجاع منطقه پر گرداگرد جمهوری اسلامی تنگ تر می شد. به زودی کام مهم دیگری برداشته شد. تقاعد نوین جنگ در خلیج فارس به قدرت نمایی مشترک امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه، انفراد سیاست جنگ طلبانه جمهوری اسلامی در شورای امنیت و کاهش شدید و مرگبار صادرات نفتی ایران انجامید. و اینک سران جمهوری اسلامی درمانده در بن بست نظامی، با فشار دم افزون امپریالیست هایی که گویا چندان "واقع بینانه" نمی اندیشند و حاضر نیستند "طرز تفکر و سیاست خود را تغییر دهند، در برابر دورنمایی قرار می گیرند که دو سال پیش حزب توده ایران پیش بینی کرده بود و آقای رفسنجانی به آن اعتراف می کند:

"یک توطئه وسیعی است که بین عراق و حامیانش که آمریکاست، فرانسه است و ارتجاع منطقه... که فشار می آورند بر جمهوری اسلامی از طریق جلوگیری از صدور نفت ایران و ایجاد مشکلات اقتصادی برای ما" (هاشمی رفسنجانی - رادیو ایران - ۲۶ اردیبهشت ۶۲).

و این آغاز پایان راهیست که روی پرتافتگان از خلق خود انتخاب کرده اند.



رفیق انریکو برلینگوئر درگذشت!

روز یازدهم ژوئن ۱۹۸۴، رفیق انریکو برلینگوئر دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا در سن ۶۲ سالگی بر اثر سکته مغزی درگذشت. طبقه کارگر و خلق ایتالیا و جنبش جهانی کارگری و کمونیستی، با درگذشت انریکو برلینگوئر یکی از مبارزین خستگی ناپذیر راه صلح، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی را از دست داد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در پیام تسلیتی که به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا ارسال داشت تأسف و اندوه عمیق خود را از مرگ ناگهانی رفیق انریکو برلینگوئر، ابراز داشته و خاطر نشان ساخته است، این واقعه دردناک "ضایعه بزرگی برای حزب کمونیست ایتالیا و تمام زحمتکشان و نیروهای صلح دوست" این کشور است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ابراز اطمینان کرده است "حزب کمونیست ایتالیا که یکی از قدیمی ترین و نیرومندترین گردان های جنبش جهانی کمونیستی و کارگری است به مبارزه خویش، برپایه جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم و اصل انترناسیونالیسم پرولتری در راه صلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی ادامه خواهد داد و سهم شایسته خود را در تحکیم و تقویت این جنبش ادا خواهد کرد."

در مراسم تشییع جنازه رفیق انریکو برلینگوئر، بیش از یک میلیون تن از اعضای حزب کمونیست ایتالیا، و مردم این کشور شرکت داشتند. ۵۰ هیأت نمایندگی از کشورهای مختلف و شخصیت های برجسته بین المللی در این مراسم حضور یافتند. میخائیل گورباچف، عضو هیأت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، یاسر عرفات رییس سازمان آزادی بخش فلسطین و ژائوزی یانگ نخست وزیر جمهوری توده ای چین و بسیاری دیگر از رهبران احزاب کمونیست و کارگری در مراسم تشییع جنازه انریکو برلینگوئر شرکت کردند.

دسته گلی نیز از سوی هیأت نمایندگی حزب توده ایران بر آرامگاه انریکو برلینگوئر گذاشته شد.

کنفرانس ملی حزب کمونیست شیلی تحت شرایط مخفی در شیلی برگزار شد

طبق اطلاعیه اول ژوئن حزب کمونیست شیلی، کنفرانس ملی حزب کمونیست شیلی، با شرکت اعضای کمیته مرکزی، مسئولین سازمان های منطقه ای و نمایندگان سازمان های خارج از کشور حزب، تحت شرایط مخفی تشکیل شد. در این کنفرانس، سیاست حزب در همسویی با

جنبش مردمی علیه رژیم دیکتاتوری پینوشه مورد تأیید قرار گرفت و بر نقش حزب کمونیست و سازمان جوانان حزب در مبارزه برای سرنگونی فاشیسم در کشور تأکید شد. کنفرانس از کوشش های حزب برای تأمین اتحاد میان تمام نیروهای اجتماعی و سیاسی که خواهان برقراری دمکراسی در کشورند قدر دانی کرد.

کنفرانس استفاده از تمام شیوه های مبارزاتی برای سرنگونی دیکتاتوری و هموار ساختن راه قیام مردمی را مورد تأیید و تأکید ویژه قرار داد. در قطعنامه پایانی کنفرانس که پس از بررسی اوضاع داخلی شیلی به تصویب رسیده آمده است: حزب کمونیست شیلی یادآور می شود، حکومت فاشیسم در کشور ما صدمات جدی بر جامعه شیلی وارد ساخته است. بیش از یک میلیون نفر از بی کاری رنج می برند. صدها هزار نفر به اردوگاه های زندان ها و شکنجه گاه ها افکنده شده اند. شیلی در دایره شیطنانی وابستگی به امپریالیسم قراز دارد. این اوضاع را تنها می توان با سیاستی به سود زحمتکشان و اکثریت خلق و تحولات ضد امپریالیستی و ضد الیگارش و از طریق مبارزه تغییر داد. با برگزاری موفقیت آمیز "روزهای اعتراض ملی" تنها عرضه برخی آزادی هایی که هنوز تحکیم نیافته اند به دولت تحمیل شده است. می توان و باید رژیم دیکتاتوری را در مدت کوتاهی به زانو درآورد. سرنگونی دیکتاتوری نه می تواند در بی یک درگیری نه در نتیجه فعالیت یک گروه از مخالفین انجام گیرد، بلکه این مسئله تنها در سایه مبارزات کوچک و بزرگ خلق شیلی امکان پذیر خواهد بود.

در پایان قطعنامه کنفرانس، اعضای حزب فراخوانده شده اند تا صفوف حزب را از هر نظر تقویت کنند و پیوند حزب با توده های مردم را مستحکم تر سازند.

در این کنفرانس کمیته مرکزی و ارگان های دیگر رهبری حزب انتخاب و رفیق لوئیس کوروالان بار دیگر به سمت دبیر کل حزب کمونیست شیلی انتخاب شد.

اجلاس رهبران کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی

اجلاس رهبران کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی هفته گذشته، پس از صدور بیانیه ای به کار خود پایان داد. سند اساسی این اجلاس که به ویژه پیرامون اوضاع اقتصادی صادر شد، سمیت عمده رشد، تکامل و تعمیق همکاری های اقتصادی و عملی - فنی کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی را معین ساخته است.

کنستانتین چرننکو در ضیافتی که به افتخار رهبران کشورهای شرکت کننده در این اجلاس برگزار شد، گفت:

"۲۵ سال پیش زمانی که شورای همیاری اقتصادی تشکیل شد، هیچ کس نسخه های از قبل آماده ای برای همکاری هایی از این نوع نداشت و نمی توانست داشته باشد."

وی گفت:

"ما در تنظیم همکاری های برادرانه همان گونه که در ساختمان جامعه نوین، در راه های گام می گذاریم که قبلاً ناشناخته اند و قبل از ما هیچ کس در آن گام نگذاشته است."

وی گفت، قابل درک است که در این راه کمبودها و اختلال هایی وجود داشت که به علل عینی و همچنین ذهنی بستگی داشت. اما مهم اینست که ضرورت حیاتی و کارآیی مناسبات همه جانبه اقتصادی ما صحت خود را نشان داده اند.

کنستانتین چرننکو از امر مشاوره رهبران کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی که در محیطی باز و دوستانه و به گونه ای سازنده انجام گرفت و مسائل کلیدی زندگی جامعه کشورهای سوسیالیستی و اوضاع بین المللی را مورد بررسی قرار داد، تمجید کرد. در این اجلاس برنامه عمل واقع بینانه ای برای بهبود مناسبات اقتصادی بین المللی ارائه شده است که به سود اکثریت عظیم کشورهای جهان است.

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲
اسلامی رژیم کنند و از سوی دیگر بیانگر اوج بی شرمی و رذالت رژیم است که با زدن انگ "توطئه سیاسی موزدیان" به خواسته های به حق و عادلانه زحمتکشان ایران، موزدیان کسترش هرچه بیشتر سرکوب مردم و نیروهای پیگیر انقلابی مدافع آنان را، زمینه چینی می کند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

نینا باتولدش
هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کرد

ن ۰ س ۰ از آلمان فدرال ۱۰۰ مارک
رضا پیمان ۵۰۰ مارک

RAHE TUDEH
No. 96
Friday, 25 June 84
Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
	U.S.A.	50	Cts.
France	3 Fr.		
Austria	8 Sch.	Sweden	3 Skr.

